



مشاور امنیت ملی امریکا:

هیچ کسی آینده‌ی افغانستان را تضمین کرده نمی‌تواند

اطلاعات روز: جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی ایالات متحده‌ی امریکا می‌گوید که پس از خروج نیروهای امریکایی از افغانستان، هیچ کسی آینده‌ی این کشور را تضمین کرده نمی‌تواند...

صفحه ۲

مجلس نمایندگان:

کشورهای منطقه و سازمان ملل طالبان را برای شرکت در نشست استانبول ترغیب کنند

صفحه ۲

محب با سفیر هند در
کابل در مورد تحریم‌های
شورای امنیت سازمان ملل
بر طالبان صحبت کرد



صفحه ۲

یادداشت روز

چرا طالبان در رفتن به نشست ترکیه تعطل می‌کنند؟

گروه طالبان در واکنش به تأخیر چند ماه خروج نیروهای بین‌المللی گفته است تا زمانی که نیروهای خارجی به‌طور کامل از افغانستان خارج نشوند، در هیچ نشستی که در مورد آینده‌ی سیاسی افغانستان تصمیم گرفته شود، شرکت نخواهند کرد. وزارت خارجه ترکیه این نشست را در ۲۴ همین ماه برنامه‌ریزی کرده است. بر پایه‌ی این برنامه‌ریزی تا کمتر از چهار روز دیگر، همه طرف‌ها باید در استانبول باشند. اما هنوز طالبان تغییر موضع نداده و گفته‌اند در این نشست شرکت نمی‌کنند. هرچند این نشست قرار بود در ۱۶ اپریل برگزار شود که به تأخیر افتاد. هنوز هم برگزاری این نشست در تاریخ ۲۴ اپریل قطعی نیست و در ابهام قرار دارد.

به نظر می‌رسد در نهایت طالبان از موضع خود کوتاه خواهند آمد. هرچند ممکن است این نشست با تأخیر زمانی اندک برگزار شود. پاکستان در تلاش است که این فرصت را از دست ندهد. از موضع وزارت خارجه این کشور در گفت‌وگو با محمد حنیف اتمر...

۲



نشر احصایه ۱۳۹۹؛ پنج‌جاه درصد نفوس کشور در درآمد خانواده‌ها سهم ندارند

۵

اگر اتلنیکو
اجازه دهد
با توقف رتال؛
قهرمانی لالیگا در
مشت بارسلونا



۷

خروج قطار از ریل
در مصر دست کم ۱۱ کشته و حدود
۱۰۰ زخمی به‌جا گذاشت

اطلاعات روز: خارج شدن یک قطار مسافری از ریل در شمال قاهره، پایتخت مصر دست‌کم ۱۱ کشته به‌جا گذاشت. وزارت بهداشت مصر اعلام کرد...

۶

ده درصد زمین
اطراف بندهای آب
به کوچی‌ها
داده می‌شود



۲

۴ گزارش

زمین‌های شهرک مهاجرین ولایت غزنی چگونه توزیع و غصب شده است؟

زمین از سوی مقام‌های سابق این ولایت به افرادی توزیع شده که مستحق دریافت زمین نبوده‌اند و حدود دوهزار نمره زمین دیگر با ساحت عام‌المنفعه‌ی آن غصب شده است. براساس این اسناد، اعضای شورای ولایتی...

روزنامه اطلاعات روز به اسناد و اطلاعاتی دست یافته است که نشان می‌دهد تمامی هفت‌هزار و ۶۴۷ نمره زمین شهرک مهاجرین (شهرک البیرونی) در ولایت غزنی بدون تأیید کمیسیون توزیع زمین و خلاف فرمان ۱۰۴ ریاست‌جمهوری توزیع شده است. نزدیک به دوهزار نمره

۸ ترجمه



چرا ابرقدرت جهان مدام شکست می‌خورد؟

رییس‌جمهور جو بایدن اعلام کرده است که «امریکا بازگشته است». این سخن می‌تواند به معنای پشت‌سرگذاشتن دوره‌ی ترمپ باشد؛ دوره‌ی رد و برهم‌زدن معاهدات و اتحادهای موجود ایالات متحده توسط دونالد ترمپ، رییس‌جمهوری که با تمام جنگ‌طلبی‌های...

۳

خانه موفقیت

The TOEFL HOUSE

Unlock the World with TOEFL

toeflhouse@gmail.com

TOEFL House

TOEFL Preparation

شعبه (کوه سنگی): کوه سنگی، گولابی دولخه، ایستگاه سابقه.
شعبه (برچی): برچی، ایستگاه مغازه، کوچه اول باغ خان.
شعبه (سلیم کلون): سرکه چهل متره، چهارراهی سلیم کلون.

0747 994 244
0745 651 844
0747 918 200

وزیر خارجه کشور برمی‌آید پاکستان مصمم است طالبان را به پای میز مذاکره بکشاند. اطمینان وزیر خارجه پاکستان از برگزاری نشست استانبول می‌رساند که طالبان از موضعش کوتاه خواهند آمد. گفته می‌شود هیأتی از طالبان برای مشوره با رهبر این گروه به پاکستان سفر کرده است. اما واقعیت این است که هیأت طالبان به پاکستان برای توجیه شرکت‌نکردن در نشست استانبول احضار شده است. حرف‌شنوی طالبان از پاکستان یک امر اثبات‌شده است. به این واقعیت همه طرف‌ها به‌شمول امریکا واقف‌اند. مقام‌های ارشد امریکایی قبلاً گفته‌اند تا زمانی‌که پاکستان نخواهد طالبان در گفت‌وگوهای صلح حاضر خواهند شد. عکس این قضیه نیز صادق است. هر زمان که اسلام‌آباد بخواهد طالبان در مذاکره حاضر خواهند شد.

تعطل طالبان از شرکت در نشست استانبول یک شگرد سیاسی-تاکتیکی برای دو هدف است: هدف اول طالبان وقت‌کشی و فرسایشی‌کردن مذاکرات است. طالبان بر این باورند که خروج نیروهای خارجی از افغانستان، پیروزی آنان را به دنبال دارد. روی این حساب طالبان منتظر محقق‌شدن خروج نیروهای بین‌المللی از افغانستان‌اند و چشم به سقوط حکومت افغانستان دوخته‌اند. هدف دومی طالبان گرفتن امتیاز آزادی هفت‌هزار زندانی و خروج نام اعضای طالبان از لیست سیاه سازمان ملل است. از موضع اخیر طالبان برمی‌آید که این گروه در صورت خروج نیروهای خارجی پس از ماه می را می‌پذیرد که دیگر خواسته‌های این گروه مثل آزادی هفت‌هزار زندانی و برداشته‌شدن تحریم‌ها پذیرفته شود. این مواجهه‌ی طالبان با روند صلح تلاش مطلوب به شکست برای رسیدن به یک توافق سیاسی و دهن‌کجی به صلح است.

طالبان باید از فرصت نشست استانبول برای رسیدن به یک راه حل سیاسی و راهی برای پایان منازعه‌ی جاری و خشونت‌بار با حسن نیت استفاده کنند. طالبان باید این واقعیت را بپذیرند که رویای فتح جز یک اشتباه محاسباتی، چیزی دیگری نیست، زیرا غلبه‌ی نظامی بر نظام قانون اساسی ممکن نیست و دوام رویکرد نظامی، جز ریخته‌شدن خون‌های بیشتر، طولانی‌شدن کارنامه‌ی جنایات این گروه، سیاه‌روزی بیشتر شهروندان افغانستان نتیجه‌ای در پی نخواهد داشت. نه شهروندان افغانستان و نه دنیا یک بار دیگر روی کارآمدن نظام طالبانی را برنمی‌تابد. حتا پاکستان که در حمایت از طالبان سنگ تمام گذاشته، از تسلط طالبان بر افغانستان و برقراری نظام طالبانی حمایت نمی‌کند. پاکستان با کمک به طالبان برای به‌دست‌آوردن قدرت و جایگاه سیاسی کلان‌تر در کابل پس از خروج نیروهای خارجی، از این مذاکرات برای تأمین منافعش در افغانستان استفاده می‌کند، نه برپایی یک نظام طالبانی.



اطلاعات روز: جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی ایالات متحده‌ی امریکا می‌گوید که پس از خروج نیروهای امریکایی از افغانستان، هیچ کسی آینده‌ی این کشور را تضمین کرده نمی‌تواند. آقای سالیوان این اظهارات را دو روز پیش (یکشنبه، ۲۹ حمل) در مصاحبه با شبکه‌ی خبری فاکس‌نیوز مطرح کرده است. او در عین حال گفته است که امریکا بر تهدیدات تروریستان که از افغانستان متوجه ایالات متحده و متحدانش شود، متمرکز خواهد بود.

از مشاور امنیت ملی امریکا در مورد احتمال دچارشدن افغانستان با سرنوشت عراق، جایی‌که جنگ‌جویان گروه داعش پس از خروج نیروهای امریکایی در سال

۲۰۱۱ بخش‌هایی از آن کشور را تصرف کردند و بارک اوباما، رییس‌جمهور پیشین امریکا در آن زمان نیروهایش را دوباره به عراق فرستاد، پرسیده شده است. جیک سالیوان در پاسخ به این پرسش گفته است که رییس‌جمهور جو بایدن قصد ندارد دوباره به افغانستان نیرو بفرستد: «من نمی‌توانم تضمین کنم که در داخل آن کشور [افغانستان] چه اتفاق خواهد افتاد. هیچ کسی نمی‌تواند.»

او افزوده است که ایالات متحده‌ی امریکا هر آنچه را که می‌توانست انجام دهد، انجام داده است، از جمله فراهم آوری منابع به حکومت و مردم افغانستان و قابلیت‌ها، آموزش و تجهیز نیروهای افغان. او تأکید کرده است: «حال زمان

اطلاعات روز: حمدالله محب، مشاور امنیت ملی کشور و رودرندرا تاندون، سفیر هند در کابل باهم دیدار و دو طرف در آن در مورد ادامه رأی‌زنی‌های دو کشور در رابطه به تحریم گروه طالبان در شورای امنیت سازمان ملل متحد گفت‌وگو کرده‌اند. دفتر شورای امنیت ملی دیروز (دوشنبه، ۳۰ حمل) با نشر خبرنامه‌ای گفته است که این دیدار در کابل صورت گرفته است. دو طرف در این دیدار گفته‌اند که «افغانستان و هندوستان از نزدیک به رأی‌زنی‌های‌شان در رابطه به تحریم گروه طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی در شورای امنیت سازمان ملل ادامه می‌دهند.»

همچنان به نقل از خبرنامه، مشاور امنیت ملی کشور و سفیر هند در کابل موافقت

مشاور امنیت ملی امریکا:

هیچ کسی آینده‌ی افغانستان را تضمین کرده نمی‌تواند

کرد و گفت که نیروهای امنیتی و دفاعی دفاع مستقلانه از کشورشان را دارند. او تأکید کرد که نیروهای امنیتی و دفاعی از چندین سال به این طرف، ۹۴ درصد عملیات‌ها را به‌گونه‌ی مستقلانه انجام می‌دهند.

هربرت مک‌مستر، مشاور پیشین امنیت ملی ایالات متحده‌ی امریکا اما تصمیم اخیر امریکا برای خروج از افغانستان را «فاجعه‌ی استراتژیک» خوانده است.

گروه طالبان نیز در واکنش به تصمیم جو بایدن گفته است تا زمانی که نیروهای خارجی به‌گونه‌ی کامل افغانستان را ترک نکنند، در هیچ نشستی که در آن در مورد افغانستان تصمیم گرفته شود، شرکت نمی‌کند.

آن رسیده است که نیروهای امریکایی به کشورشان برگردند و مردم افغانستان برای دفاع از کشورشان گام بردارند.» این درحالی است که چهارشنبه شب هفته‌ی گذشته (۲۵ حمل)، جو بایدن، رییس‌جمهوری ایالات متحده‌ی امریکا رسماً زمان خروج نظامیان‌ش از افغانستان را اعلام کرد. آقای بایدن گفت که تمامی نظامیان‌ش را تا ۱۱ سپتامبر، بیستمین سالگرد حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی، از افغانستان خارج می‌کند. همزمان با این، ناتو نیز اعلام کرده است که یکجا با امریکا از افغانستان خارج می‌شود.

به دنبال آن، رییس‌جمهور اشرف غنی هر گونه احتمال سقوط افغانستان را رد

محب با سفیر هند در کابل در مورد تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل بر طالبان صحبت کرد

کرده‌اند که همکاری‌های متقابل‌شان را در زمینه‌های دوجانبه، چندجانبه و بخش‌های مورد «علاقه» عمیق‌تر کنند. رهبران گروه طالبان از سال‌ها به این طرف زیر تحریم‌ها و تعزیرات سازمان ملل متحد و شماری از اعضای این نهاد قرار دارند. کمیته‌ی تعزیرات شورای امنیت سازمان ملل متحد از سال ۱۹۸۸ میلادی به این طرف تعزیرات این شورا بر طالبان را نظارت می‌کند.

ریاست این کمته را هند بر عهده دارد و ناروی، ایرلند، کنیا و مکزیک نیز عضو آن اند. گروه طالبان بارها خواستار رفع تحریم‌ها براساس توافق‌نامه‌ی صلح دوحه میان این گروه و امریکا شده‌اند.

مجلس نمایندگان:

کشورهای منطقه و سازمان ملل طالبان را برای شرکت در نشست استانبول ترغیب کنند

اپریل را تاریخ برگزاری این نشست تعیین کرده‌اند. طالبان اما اعلام کرده‌اند تا زمانی که نیروهای خارجی به‌گونه‌ی کامل از افغانستان خارج نشوند، در هیچ نشستی که در آن در مورد افغانستان تصمیم گرفته شود، اشتراک نمی‌کنند. براساس اعلام وزارت خارجه‌ی ترکیه، هدف اصلی نشست استانبول تسریع روند صلح افغانستان، تکمیل مذاکرات بین‌الافغانی در دوحه و دست‌یابی به یک توافق سیاسی عادلانه و پایدار است.

آورده است. میر رحمان رحمانی علاوه کرد که مردم افغانستان و شورای ملی نشست استانبول را یک فرصت تاریخی می‌دانند. آقای رحمانی تأکید کرد که حفظ نظام، قانون اساسی و آزادی و ارزش‌های مدنی از مهم‌ترین دست‌آورد‌های تاریخ معاصر افغانستان‌اند که حفظ آن‌ها برای تمامی طرف‌ها مهم و مفید است. ترکیه، قطر و سازمان ملل متحد که میزبانان نشست استانبول هستند، ۲۴

منطقه و سازمان ملل متحد نیز خواست که گروه طالبان را برای شرکت در نشست استانبول ترغیب کنند. او افزود که نشست استانبول امیدواری‌های زیادی را برای قطع جنگ و حل صلح‌آمیز بحران افغانستان ایجاد کرده است. به‌گفته‌ی او، وجود اجماع منطقه‌ای و بین‌المللی و آمادگی شورای عالی مصالحه‌ی ملی برای شرکت در نشست استانبول نیز خوش‌بینی‌های زیادی را برای نتیجه‌بخش بودن مذاکرات به میان

اطلاعات روز: در آستانه‌ی برگزاری نشست استانبول در مورد افغانستان، میر رحمان رحمانی، رییس مجلس نمایندگان از طالبان خواست که در این نشست شرکت و خواست‌های‌شان را مطرح کنند. آقای رحمانی در جمع‌بندی بحث آزاد نشست عمومی دیروز (دوشنبه، ۳۰ حمل) مجلس نمایندگان همچنان از طالبان خواست که از نشست استانبول به نفع مردم افغانستان استفاده کنند. رحمانی در عین حال از کشورهای اثرگذار

اداره هوانوردی ملکی برای پذیرش مسئولیت کنترل میدان هوایی کابل اعلام آمادگی کرد

در نامه آمده است: «اکنون به‌منظور جلوگیری از تکرار چالش مشابه، به‌عنوان نهاد مسئول در این زمینه، خود را پیش‌قدم دانسته تا مسئولیت‌های این میدان را بدوش بگیرد.»

براساس یک اعلامیه‌ی اداره هوانوردی ملکی، معین عملیاتی این اداره گفته است که امکانات تخنیکی میدان هوایی حامد کرزی به مراتب بیشتر از دیگر میدان‌های هوایی بین‌المللی در کشور است و این اداره آماده‌ی پذیرش مسئولیت‌های تمامی امور آن است.

آن گونه که اداره هوانوردی ملکی گفته است؛ میدان هوایی بین‌المللی حامد کرزی به‌عنوان دروازه‌ی هوایی افغانستان دارای اهمیت بلند از نظر سیاسی، اقتصادی و امنیتی است که ۷۰ درصد خدمات عملیات هوایی سراسر کشور از طریق این میدان انجام می‌شود. این درحالی است که قرار است روند خروج نیروهای ناتو از اول ماه می آغاز و تا ۱۱ سپتامبر سال جاری میلادی پایان یابد.

اطلاعات روز: اداره هوانوردی ملکی افغانستان برای پذیرش مسئولیت تمامی امور کنترل ترافیک هوایی در میدان هوایی بین‌المللی حامد کرزی اعلام آمادگی کرده است.

اداره هوانوردی ملکی در نامه‌ای عنوانی نیروهای ناتو، از این نیروها خواسته است که تا اول ماه می سال جاری میلادی تمامی مسئولیت‌های کنترل ترافیک هوایی (Tower) میدان هوایی حامد کرزی را به این اداره منتقل کنند. اما‌نزیب انصاری، معین عملیاتی اداره هوانوردی ملکی در این نامه از انجام موفقانه و مصون کنترل ترافیک هوایی توسط ناتو در ۲۰ سال گذشته قدردانی کرده و خواهان همکاری بیشتر و درازمدت این سازمان شده است.

در این نامه همچنان آمده است که اداره هوانوردی ملکی افغانستان پیش از این نیز تجربه‌ی انتقال مسئولیت‌های میدان هوایی احمدشاه بابا در قندهار از نیروهای ناتو به این اداره را دارد که در ۱۰ جنوری سال جاری به‌گونه‌ی عجلانه صورت گرفت.

ده درصد زمین اطراف بندهای آب به کوچی‌ها داده می‌شود

مکرر موفق نشد تا در این مورد دیدگاه ریاست‌جمهوری را بگیرد. اما ارگ ریاست‌جمهوری پیشتر در خبرنگارمه‌ای اعلام کرده بود که آقای غنی در مراسمی که به‌مناسبت ۹ حمل، روز ملی کوچی‌ها در قصر «سلام خانه» برگزار شده بود، گفته است که «با احداث هر بند، ده درصد زمین به کوچی‌ها توزیع خواهد شد.»

به نقل از خبرنگارمه، آقای غنی به وزارت زراعت، آبیاری و مالدار ی هدایت داده است تا کمیسیون مشترک را برای توزیع عادلانه‌ی مواشی به کوچی‌ها و اسکان مجدد آنان ایجاد کند.

شهرداری و اراضی، انوارالحق احدی، وزیر زراعت، آبیاری و مالدار ی و شمیم‌خان کتوازی، رییس اداره‌ی مستقل ارگان‌های محلی مکلف شده‌اند که یک کمیته را برای توزیع عادلانه‌ی زمین برای کوچی‌ها در اطراف بندهای آب، ایجاد کنند. همچنان در این نشست نمایندگان کوچی‌ها با رییس‌جمهور غنی فیصله کرده‌اند که فضل‌محمود فضلی، رییس اداره‌ی امور ریاست‌جمهوری نیز یک کمیته را ایجاد کند تا این کمیته در هر ولایتی که بند آب احداث شده است، به کوچی‌ها زمین توزیع کند. روزنامه اطلاعات روز با تلاش‌های

نمایندگان کوچی‌ها تأیید کرده است. در نسخه‌ای از فیصله‌نامه‌ی این نشست که حیدرجان نعیم‌زوی در اختیار روزنامه اطلاعات روز قرار داده، آمده است: «ده فیصد زمین هر بند به قشر بزرگ کوچی‌ها داده می‌شود که اتوزیع زمین‌ا از بند کمال‌خان آغاز می‌شود.» در فیصله‌نامه همچنان تأکید شده است که در سال جاری ۴۹ بند آب در کشور ساخته می‌شود و باید در زمین‌های اطراف تمامی آن‌ها، به قشر کوچی‌ها سهم داده شود. براساس این فیصله، محمود کرزی، وزیر

شیوع کووید۱۹ چه تأثیری بر برنامه‌های وزارت صحت گذاشت؟

خادم‌حسین کریمی و الیاس نواندیش

در ۵ حوت ۱۳۹۸، با اعلام رسمی ابتلای اولین افغان به کووید۱۹ در شهر هرات، زنگ هشدار ورود این بیماری از ایران به افغانستان و شیوع ویروس در کشور به صدا درآمد. یک ماه بعد در نخستین هفته‌ی سال جدید خورشیدی که تعداد مبتلایان به این همه‌گیری سه‌رقمی شده بود، مقررات محدودیت گشت‌وگذار در سه ولایت غربی هرات، فراه و نیمروز اعلام شد. دو روز بعد، کابینه‌ی حکومت طرح محدودیت گشت‌وگذار در کابل و ۵ ولایت دیگر و تعطیلی مؤقت ادارات دولتی را نیز به تصویب رساند. با افزایش تعداد مبتلایان به بیش از ۵۰۰ نفر، در هفته‌ی آخر ماه حمل ۱۳۹۹، قرنطینه‌ی کابل رسماً اعلام شد.

در پایان دومین ماه سال ۱۳۹۹ زمانی که در یک روز ۵۷۱ مورد جدید ابتلا به‌صورت رسمی گزارش شد، افغانستان در اوج سرعت شیوع و مرگ‌ومیر ناشی از شیوع این بیماری قرار داشت. سیستم صحتی ضعیف و ناتوان افغانستان تمام داشته‌هایش را برای مبارزه با این بیماری و کاهش سرعت شیوع آن بسیج کرده بود. تا نیمه‌ی اول سال در اواسط ماه اسد که گراف شیوع روزانه‌ی بیماری پس از یک دوره‌ی دشوار سه‌ماهه، به نرخ بسیار پایینی رسیده بود، وزارت صحت عامه‌ی افغانستان تمام نیرو و امکاناتش را برای مبارزه با این ویروس متمرکز کرده بود. تمرکز حداکثری بر مهار شیوع ویروس کرونا، درمان مبتلایان و روی دست‌گرفتن تدابیر بهداشتی و صحتی برای مردم، طبیعتاً این وزارت را از رسیدگی به برنامه‌های عادی‌اش باز داشته بود.

وزارت صحت عامه‌ی افغانستان هرساله در چارچوب استراتژی‌های ملی و جهانی صحت برنامه‌هایی مثل مبارزه با مرگ‌ومیر کودکان و مادران، توجه به صحت طفل و مادر، واکسیناسیون‌های مختلف برای کودکان، پروژه‌های تجهیز مراکز درمانی، نوسازی و بازسازی زیربناهای سیستم صحتی و برنامه‌های انکشافی مختلف دیگر را روی دست می‌گیرد. در سال ۱۳۹۹ اما به‌دلیل شیوع ویروس کرونا و درگیرشدن سیستم صحتی کشور برای مهار سرعت شیوع این بیماری، وزارت صحت عامه‌ی کشور از پی‌گیری برخی از برنامه‌های عادی سالانه‌اش عقب افتاد.

در این گزارش تلاش شده است تا تبعات شیوع ویروس کرونا در افغانستان در سال ۱۳۹۹ بر برنامه‌های عادی و انکشافی سالانه‌ی وزارت صحت عامه به بررسی گرفته شود. شیوع ویروس کرونا بر برنامه‌های واکسیناسیون کودکان و صحت طفل و مادر چه تأثیری گذاشت؟ چه پروژه‌های انکشافی و ساخت‌وساز در وزارت صحت عامه به تعویق افتاد؟ و در نهایت، آیا شیوع ویروس کرونا در سال ۱۳۹۹، علاوه بر چالش‌ها و تأثیراتی مخربی که برجا گذاشت، فرصت‌هایی نیز ایجاد کرد؟ در این گزارش سعی شده است که به این پرسش‌ها پاسخ داده شود.

واکسیناسیون کودکان و صحت طفل – مادر

فلج اطفال یا پولیو، بیماری حاد ویروسی است که دستگاه گوارش یا دستگاه اعصاب مرکزی کودک مبتلا به آن را درگیر و مختل می‌کند. این بیماری ویروسی که در طول قرن ۲۰ جامعه‌ی جهانی را درگیر خودش کرده بود، پس از نزدیک به یک قرن از آغاز نخستین تلاش‌ها برای مهار و محو آن، اکنون قربانیان اندکی دارد. در سال ۱۹۳۸ که بنیامین فرانکلین سی‌ودومین رییس‌جمهور ایالات متحده، بنیاد ملی فلج اطفال را تأسیس کرد، کارزار ملی و سپس جهانی مبارزه با این بیماری کلید خورد. ۱۷سال بعد از تأسیس این بنیاد برای مبارزه با فلج اطفال و حمایت از تحقیقات علمی مرتبط به آن، نخستین نسخه‌ی واکسین این بیماری کشف و تزریق شد. زمانی که ایالات متحده

دست‌کم ۲۵ هزار مورد ابتلا به این بیماری را در میان کودکان ثبت کرده بود.

پس از سی سال تلاش و کارزار جهانی برای تزریق گسترده‌ی واکسین و مهار بیماری فلج اطفال، در سال ۱۹۸۸، چهل‌وچهارمین مجمع سازمان بهداشت جهانی، برنامه‌ی حذف و ریشه‌کن‌کردن کامل این بیماری در سراسر جهان را اعلام کرد. در پی این برنامه‌ی جهانی برای کلیدزدن آخرین ضربان به بیماری پولیو، فلج اطفال اکنون به استثنای دو کشور در سراسر جهان محو و ریشه‌کن شده است. در مقایسه با اوج شیوع این بیماری در نیمه‌ی دوم قرن بیست، در سال‌های اخیر تعداد واقعات مثبت ابتلا به پولیو در سراسر جهان ناچیز بوده است. از میان نزدیک به ۲۰۰ کشور جهان، پاکستان و افغانستان تنها کشورهایی هستند که نتوانسته این بیماری را نابود کند. در چهار سال اخیر دست‌کم ۵۰ درصد واقعات مثبت ابتلا به پولیو در افغانستان به ثبت رسیده است.

برنامه‌ی تطبیق واکسیناسیون ملی پولیو در ۲۰ سال اخیر همواره استراتژی صحتی ملی مورد حمایت جامعه‌ی جهانی و سازمان جهانی بهداشت در افغانستان بوده‌است. دولت جهانی، هرساله مؤظف است که به صدها هزار کودک در سراسر کشور در برابر ابتلا به پولیو واکسین تزریق کند. با وصف این سطح از حمایت، دولت افغانستان هرساله از تطبیق کامل برنامه‌ی واکسیناسیون پولیو ناتوان بوده‌است. براساس اظهارات مقام‌های صحتی افغانستان، بزرگ‌ترین مانع تطبیق‌نشدن کامل برنامه‌ی واکسیناسیون کودکان، ناامنی و ممانعت گروه‌های تروریستی از تطبیق برنامه‌ی ملی واکسیناسیون کودکان بوده است.

در سال گذشته، شیوع یک پاندمی مرگبار در افغانستان و متمرکزشدن سیستم صحتی کشور برای مهار سرعت شیوع آن، عامل دیگری بود که دست در دست ناامنی و مشکلات امنیتی، وزارت صحت عامه‌ی کشور را در تطبیق کامل برنامه‌ی یک‌ساله‌ی واکسیناسیون کودکان ناکام کرد.

دستگیر نظری، سخن‌گوی وزارت صحت عامه‌ی افغانستان در پاسخ به پرسش اطلاعات روز می‌گوید براساس برنامه‌ریزی این وزارت قرار بوده در سال ۱۳۹۹ خورشیدی، به یک‌میلیون و ۸۵۶هزار و ۶۸۸ کودک در سراسر کشور واکسین فلج اطفال تزریق شود اما به‌دلیل «شیوع ویروس وحشی کرونا» و تمرکز وزارت صحت بر مهار این بیماری، در پایان سال به یک‌میلیون و ۵۱۸هزار و ۵۹۷ کودک در سراسر کشور واکسین پولیو تزریق شده و ۳۳۸هزار و ۹۱ کودک از تزریق این واکسین محروم ماندند.

علاوه بر تطبیق‌نشدن کامل برنامه‌ی تزریق واکسین به حدود دو میلیون کودک بر اثر درگیری سیستم صحتی افغانستان با کووید۱۹، در سال ۱۳۹۹، ۵۶ مورد جدید

ابتلا به پولیو در سراسر کشور تثبیت شد. آماری که به نسبت یک سال قبل، ۵۶۰ درصد افزایش را نشان می‌دهد. با آن‌که بنا بر آمار ارائه‌شده توسط سخن‌گوی وزارت صحت افغانستان، شیوع ویروس کرونا بر نرخ تطبیق‌نشدن واکسین پولیو برای کودکان افغان تأثیر چشمگیری نداشته و صرفاً ۱۸ درصد کودکان مدنظر از دریافت این واکسین محروم مانده‌اند اما افزایش پنج‌ونیم برابر تعداد مبتلایان به پولیو در سال ۱۳۹۹ نسبت به سال قبل، نشان می‌دهد که درگیرشدن سیستم صحتی کشور با ویروس کرونا، تبعات سنگینی بر کارزار ملی مهار بیماری پولیو گذاشته‌است.

برخلاف ادعای سخن‌گوی وزارت صحت عامه‌ی افغانستان مبنی بر محرومیت ۳۳۸ هزار کودک از دریافت واکسین فلج اطفال در سال ۱۳۹۹، بنا بر گزارش برخی رسانه‌ها، ۳٫۴ میلیون کودک افغان در این سال از دریافت واکسین پولیو محروم شدند.

سخن‌گوی وزارت صحت عامه می‌گوید تبعات تطبیق‌نشدن این واکسین‌ها در سال ۱۳۹۹، افزایش تعداد واقعات مثبت پولی و سرخکان است.

برخلاف افزایش در تعداد واقعات مثبت پولیو و محرومیت صدها هزار کودک از دریافت واکسین پولیو، در سال ۱۳۹۹، صحت طفل و مادر نه‌تنها تأثیر مخربی را متحمل نشد که آمار مرگ‌ومیر مادران و نوزادان کاهش یافت. دستگیر نظری می‌گوید در دوره‌ی اوج شیوع ویروس و وضع‌شدن مقررات قرنطینه، هرچند کارمندان صحتی مؤظف در بخش صحت طفل و مادر با حفظ تدابیر صحتی و بهداشتی در مراکز درمانی حاضر بودند اما مردم به‌دلیل ترس از رفت‌وآمد و ابتلا به کووید۱۹، کمتر به مراکز صحتی مراجعه می‌کردند. آقای نظری می‌گوید به همین دلیل، در سه ماه اول سال، شاخص‌های صحت باروری مثل «مراقبت‌های قبل از ولادت، بعد از ولادت، مراقبت‌های نوزادان، تنظیم امور خانواده و حتی ولادت» متأثر شد اما با کاهش محدودیت‌های رفت‌وآمد و مراجعه‌ی مجدد مردم به مراکز درمانی و عرضه‌ی خدماتی صحتی، این شاخص‌ها دوباره بهبود یافت.

براساس آمار وزارت صحت در سال ۱۳۹۹ خورشیدی، آمار مرگ‌ومیر مادران از ۱۰۲۱ مورد در سال قبل به ۹۳۴ مورد کاهش یافته است. همچنان در همین سال مرگ ۹هزار و ۱۶۳ نوزاد در سراسر کشور گزارش شد که در مقایسه با ۹هزار و ۴۵۰ مورد مرگ‌ومیر نوزاد در سال ۱۳۹۸، کاهش محسوسی را نشان می‌دهد.

تعدیل، تعویق و حذف پروژه‌های انکشافی

در سال ۱۳۹۹ خورشیدی، وزارت صحت عامه‌ی افغانستان ۵۵ پروژه‌ی انکشافی را در بودجه‌ی سال مالی‌اش تعریف کرده بود. تحت تأثیر شیوع ویروس کرونا، تعدادی از این پروژه‌های انکشافی اما تعدیل، تعلیق یا

حذف شد.

دستگیر نظری، سخن‌گوی وزارت صحت عامه‌ی کشور می‌گوید در سال ۱۳۹۹، از میان ۵۵ پروژه‌ی انکشافی، بودجه‌ی شش پروژه‌ی انکشافی به بودجه‌ی عادی این وزارت تعدیل و تغییر داده شد. آقای نظری می‌گوید بودجه‌ی پروژه‌های «تأسیس مراکز درمانی و درمان معتادین در ولایات، بهبود کیفیت خدمات شفاخانه‌ها در سراسر کشور، خدمات کابل آمبولانس در ولایت کابل، کنترل ملی ربیبس و زونویس، تقویت خدمات صحتی در ولایت غزنی و تجهیز مراکز درمانی و تداوی معتادین به مواد مخدر در ولایات هلمند، ننگرهار، هرات، بلخ، نیمروزو کندز» در سال مالی ۱۳۹۹ از بودجه‌ی انکشافی به بودجه‌ی عادی وزارت صحت عامه منتقل شده بود.

علاوه بر تعدیل بودجه‌ی این شش پروژه از انکشافی به عادی، وزارت مالیه بودجه‌ی دست‌کم سه پروژه‌ی این وزارت را در سال مالی ۱۳۹۹ خورشیدی حذف کرده است. دستگیر نظری در پاسخ به پرسش اطلاعات روز می‌گوید پروژه‌های «آگاهی‌دهی در مورد مرض کانگو، واحد تدارکات متمرکز دوایی و محصولات صحتی، و نصب دستگاه‌ها جهت دفع مصون کثافات معمولی و طبی» در سال مالی ۱۳۹۹ خورشیدی توسط وزارت مالیه از بودجه‌ی وزارت صحت عامه حذف شده‌است. همچنان ۵ پروژه‌ی انکشافی وزارت صحت عامه‌ی کشور در سال مالی ۱۳۹۹ خورشیدی با پروژه‌های دیگر این وزارت مدغم شده‌است. براساس آمار و اطلاعات وزارت صحت عامه، در سال مالی ۱۳۹۹ خورشیدی، پروژه‌های مستقل «تجهیز لابراتوار ادویه و مواد غذایی، تجهیز لابراتوارهای کنترل کیفیت دوا و محصولات صحتی به سطح زون‌ها و تقویت صحتی تضمین کیفیت، هیمودایلیز و تداوی کلیه‌ها، فعال‌کردن شفاخانه‌ی ملی تداوی گرده و شفاخانه‌ی فاطمه الزهرا و عرضه‌ی خدمات صحتی برای عودت‌کنندگان و پروژه‌ی مراقبت صحتی کوچی‌ها» که داری کدمنبرهای مستقل بودند، با پروژه‌های دیگری مدغم شد.

سخن‌گوی وزارت صحت عامه‌ی افغانستان توضیحات و جزئیاتی در مورد میزان دقیق ارزش و وجه مالی این پروژه‌ها و همچنان پروژه‌هایی که با پروژه‌های اصلی ادغام شده‌اند، ارائه نکرده است.

چالش کووید۱۹ چه فرصت‌هایی ایجاد کرد؟

هرچند وزارت صحت عامه‌ی افغانستان در سال ۱۳۹۹ خورشیدی به‌دلیل درگیری گسترده با مهار کووید۱۹ و تلاش برای کندکردن سرعت شیوع آن، از تعدادی از برنامه‌های عادی‌اش که شرح آن رفت، باز ماند اما ظهور این همه‌گیری کشنده و مرگبار، به خلق فرصت‌هایی نیز منجر شد. یکی از نخستین تأثیرات مثبت یا فرصت‌هایی که شیوع کووید۱۹ در افغانستان برای وزارت صحت ایجاد کرد، کاهش قابل ملاحظه در

تعداد مراجعین اوبی‌دی یا مراجعین شعبات معاینه‌ی سراپا در سراسر کشور بود. شهروندان افغانستان در بخش عمده‌ای از سال ۱۳۹۹، به‌دلیل ترس از ابتلا به کووید۱۹ و وضع‌شدن مقررات و محدودیت‌های گشت‌وگذار، تا زمانی که ضرورت عاجل و شدیدی خلق نمی‌شد، عمدتاً از مراجعه به مراکز درمانی برای رسیدگی به مشکلات کمتر مهم صحتی امتناع می‌کردند.

وزارت صحت عامه‌ی افغانستان تأیید می‌کند که در سال ۱۳۹۹، ظهور و شیوع همه‌گیری کووید۱۹، فرصت‌هایی برای این نهاد نیز به وجود آورد. سخن‌گوی این وزارت در گفت‌وگو به اطلاعات روز می‌گوید در فرصت ناشی از شیوع کووید۱۹ و کاهش قابل توجه در میزان مراجعه‌ی مردم به مراکز درمانی و اخذ خدمات صحتی از وزارت صحت عامه، این وزارت در سال ۱۳۹۹ موفق شد دست‌کم سه

برنامه‌ی اجرایی بزرگ را روی دست بگیرد.

آقای نظری می‌گوید تجهیز و تقویت لابراتوارهای حوزوی صحت عامه، ایجاد ۲۴ لابراتوار پی‌سی‌آر در ۱۷ ولایت کشور جهت معاینه‌ی مریضان کووید۱۹ و سایر امراض ساری، تقویه‌ی سیستم صحت و پاسخگوی نیازمندی‌های صحتی شهروندان، تجهیز تمام مراکز صحتی با تجهیزات وسایل مدرن طبی مانند ونتلاتورها، BPP، CPP و دستگاه‌های کوچک تولید اکسیجن (-O2 Concentra tor)، برنامه‌هایی بوده که این وزارت در فرصت ناشی از شیوع کووید۱۹ اجرایی کرده است.

همچنان به نقل از معلومات وزارت صحت عامه، دایرکردن دوره‌های آموزشی برای بیش از ۵۰۰ پزشک و متخصص در بخش مراقبت‌های ویژه ((ICU، استفاده‌ی درست از ونتلاتورها، برگزارکردن دوره‌های آموزشی فشرده برای بیش از ۲۵۰ لابرات در بخش PCR جهت تشخیص نمونه‌های مریضان مبتلا به کووید۱۹ و برگزاری دوره‌های آموزشی برای پیش‌گیری از انتان، مفاهمه‌ی خطر و مدیریت وقایع وخیم صحتی، برنامه‌های دیگری بوده که این وزارت با استفاده از فرصت ناشی از شیوع کووید۱۹ اجرا کرده است.

مستولان وزارت صحت عامه‌ی کشور می‌گویند شیوع پاندمی کووید۱۹، در کنار خلق چالش و دشواری باعث شد که برخی خلاها و کاستی‌های سیستم صحتی کشور شناسایی و به‌صورت قابل ملاحظه‌ای رفع شود.

به نقل از این مسئولان، «بلندرفتن ظرفیت کارکنان، دوبرابرشدن تعدد بستر مریضان در سطح کشور از ۹۶۶ به دوهزار و ۷۱ بستر، تجهیز تمام مراکز صحتی با تجهیزات مدرن طبی، بازنگری گدام مرکزی وزارت صحت عامه و ایجاد گدام‌های مجهز با ضروریات و مواد لوازم و ادویه‌های ضروری طبی، ایجاد یک سیستم آنلاین برای ثبت ارقام و فراهم‌کردن دسترسی به معلومات جمع‌آوری‌شده از طریق سیستم DHIS و استفاده از تکنولوژی برای بلندبردن آگاهی عامه» اقداماتی بوده که برای جبران برخی کاستی‌های شناسایی شده در سیستم صحتی کشور در دوره‌ی شیوع همه‌گیری کووید۱۹ در این وزارت اجرایی شده است.

«این گزارش با حمایت مالی اتحادیه‌ی اروپا تولید شده است. محتوای آن صرفاً به عهده‌ی «روزنامه‌ی اطلاعات روز» بوده و منعکس‌کننده‌ی نظریات اتحادیه‌ی اروپا نیست»



عصمت‌الله سروش

روزنامه اطلاعات روز به اسناد و اطلاعاتی دست یافته است که نشان می‌دهد تمامی هفت‌هزار و ۶۴۷ نمره زمین شهرک مهاجرین (شهرک البیرونی) در ولایت غزنی بدون تأیید کمیسیون توزیع زمین و خلاف فرمان ۱۰۴ ریاست‌جمهوری توزیع شده است. نزدیک به دوهزار نمره زمین از سوی مقام‌های سابق این ولایت به افرادی توزیع شده که مستحق دریافت زمین نبوده‌اند و حدود دوهزار نمره زمین دیگر با ساحات عام‌المنفعه‌ی آن غصب شده است.

براساس این اسناد، اعضای شورای ولایتی، کارمندان بانک مرکزی افغانستان (د افغانستان بانک)، ریاست امور مهاجرین و ریاست دادستانی وزارت داخله و ده‌ها تن دیگر که واجد شرایط برای دریافت زمین نبوده‌اند، در شهرک مهاجرین زمین گرفته‌اند. به اکثر این افراد براساس منظوری شیرعلم ابراهیمی، والی سابق ولایت غزنی در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ زمین توزیع شده است.

همچنان اطلاعات روز به گزارش‌های یک هیأت بررسی‌کننده از وزارت مهاجرین و یک هیأت مختلط دولتی دست یافته که نشان می‌دهد بخش‌هایی از شهرک مهاجرین ولایت غزنی غصب شده و روند توزیع زمین به‌صورت شفاف و مطابق قانون صورت نگرفته است.

در پی حکم ریاست‌جمهوری، قضیه شهرک مهاجرین ولایت غزنی پس از تهیه گزارشی از سوی وزارت مهاجرین و عودت‌کنندگان به دادستانی کل راجع شد. دادستانی کل موضوع را به دادستانی استیناف ولایت غزنی راجع کرد، اما این نهاد تاکنون در این مورد اقدام خاصی نکرده است و زمین‌های غصب‌شده و توزیع‌شده‌ی غیرقانونی این شهرک مسترد نشده است.

شهرک ابوریحان البیرونی که به شهرک مهاجرین مشهور است در پنج کیلومتری شهر غزنی به سمت جنوب‌غرب موقعیت دارد. مساحت این شهرک چهارهزار و ۶۶۴ جریب است و زمین آن براساس توافق میان وزارت مهاجرین و وزارت زراعت در سال ۱۳۹۴ به ملکیت وزارت مهاجرین درآمد. در سال ۱۳۹۴ و در پی فرمان ۱۰۴ ریاست‌جمهوری افغانستان، در برخی ولایت‌ها از جمله ولایت غزنی شهرک‌های ویژه برای مهاجرانی که به کشور برمی‌گشتند و بیجاشدگان داخلی در نظر گرفته شد. در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ زمین‌های شهرک مهاجرین ولایت غزنی به هفت‌هزار و ۷۲۰ خانواده توزیع شده و از سال ۱۳۸۵ به‌دلیل نبود زمین در ساحه نمبر یک شهرک، توزیع زمین متوقف شد. در سال ۱۳۹۸ بیش از چهارهزار فامیل در این شهرک زندگی می‌کردند.

توزیع دوهزار نمره زمین به افراد غیرمستحق
ریاست‌جمهوری افغانستان در سال ۱۳۸۴ طی فرمان ۱۰۴ گفته بود که برای توزیع زمین به برگشت‌کنندگان و بیجاشدگان داخلی در هر ولایت یک کمیسیون با ریاست معاون والی تشکیل شود. رییس امور مهاجرین، شهردار، رییس زراعت، نماینده وزارت شهرسازی و مسکن، رییس احیا و انکشاف دهات، نماینده کمیسیون حقوق بشر، نماینده اداره عمومی جیودوزی و کارتوگرافی، نماینده اداره معادن و صنایع اعضای کمیسیون بوده‌اند. یافته‌های هیأت بررسی‌کننده وزارت مهاجرین و عودت‌کنندگان نشان می‌دهد که توزیع زمین در شهرک البیرونی به شکل عادلانه برای فامیل‌های عودت‌کننده و بیجاشده‌ی داخلی مستحق توزیع نشده، بلکه شماری از افراد و مسئولان دولتی با استفاده از صلاحیت‌های‌شان اعمال نفوذ کرده و به افراد غیرمستحق زمین توزیع کرده‌اند. یک‌هزار و ۹۹۵ نمره زمین به کسانی توزیع شده که سند معتبر عودت و یا بیجاشدگی نداشته‌اند. توزیع زمین به این افراد، براساس فورم‌های VRF جعلی و کاپی، کارت شهدا، کارت معلولین، کارت

احزاب، حکم مقام ولایت و سایر اسناد غیرمعتبر که نشان‌دهنده عودت و بیجاشدگی نیست، توزیع شده است. کسانی که زمین گرفته‌اند مطابق فرمان ۱۰۴ مستحق نبوده‌اند.

جلسات کمیسیون توزیع زمین در ولایت غزنی در زمینه‌ی توزیع زمین شهرک البیرونی هیچ‌گاهی برگزار نشده و تمام هفت‌هزار و ۶۴۷ نمره زمین بدون تأیید کمیسیون و بدون در نظرداشت فرمان ۱۰۴ توزیع شده است. متقاضیان درخواستی‌های‌شان را به مقام ولایت می‌سپرده و بعد از منظوری والی، ریاست امور مهاجرین روند توزیع زمین را آغاز می‌کرده است. هر فرد مکلف بوده که برای دریافت یک نمره زمین پنج‌هزار افغانی به بانک تحویل دهد.

این اجراء زمانی انجام شده که حاجی شیرعلم ابراهیمی والی غزنی، عبدالحمید وفا رییس امور مهاجرین و نصیر احمد و کامل خان از مسئولان بخش اسکان ریاست امور مهاجرین بوده‌اند. پنج‌هزار و ۶۵۲ نمره زمین به افرادی توزیع شده که دارای اسناد عودت و یا بیجاشدگی بوده‌اند، اما توزیع زمین به این افراد روند اصولی و مراحل قانونی خود را طی نکرده است. به‌عنوان نمونه شماره و کاپی تذکره تابعیت اکثر این افراد وجود ندارد که نشان دهد سند عودت با تذکره تابعیت هم‌خوانی دارد یا نه. همچنان به تعداد زیاد از این افراد در نبود سند سرپناه نداشتن زمین توزیع شده است.

چه کسانی زمین گرفته‌اند؟

اسنادی که اطلاعات روز به آن دست یافته نشان می‌دهد به ده‌ها تن که واجد شرایط برای دریافت زمین نبوده‌اند از سوی مقام‌های محلی وقت ولایت غزنی در شهرک مهاجرین زمین توزیع شده است. مطابق فرمان ۱۰۴ ریاست‌جمهوری افغانستان، کسانی مستحق دریافت زمین در شهرک‌های ویژه مهاجرین بوده‌اند که یا از کشورهای دیگر به افغانستان برگشته یا بر اثر جنگ در داخل کشور بیجا شده باشند.

اسناد نشان می‌دهد که به ۱۱۹ تن که بیشترشان مستحق دریافت زمین در شهرک مهاجرین نبوده‌اند به امر فوق‌العاده‌ی والی آن زمان ولایت ولایت غزنی زمین توزیع شده است. از جمله‌ی این افراد، ۱۹ تن اعضای سابق شورای ولایتی غزنی و هشت تن اعضای فنی توزیع زمین بوده‌اند.

در یک مورد کمیسیون توزیع زمین به والی غزنی پیشنهاد کرده که فامیل‌های زیادی بیجاشده‌ی داخلی و برگشت‌کننده بارها از این کمیسیون خواستار توزیع زمین شده‌اند، ولی فورم سازمان ملل متحد را ندارد. در متن پیشنهاد آمده که از میان آن‌ها ۱۴۵ فامیل واقعا مهاجر و بدون سرپناه و مستحق‌اند که برای‌شان زمین توزیع شود. شیرعلم ابراهیمی والی وقت غزنی این پیشنهاد را منظور کرده و برای این خانواده‌ها زمین توزیع شده است.

ریاست عودت مهاجرین ولایت غزنی در پیشنهادی گفته هفت تن در بخش توزیع زمین برای برگشت‌کنندگان همکاری کرده، اما خودشان سرپناه ندارند و برای‌شان زمین توزیع شود. این پیشنهاد از سوی والی سابق غزنی منظور شده است. در مورد مشابه، ریاست عودت مهاجرین پیشنهاد کرده که چهار تن در بخش ترتیب اسناد با ریاست عودت مهاجرین همکاری کرده و اکنون خواستار توزیع زمین می‌باشند. در مکتوب تذکره رفته که هفت‌هزار و ۶۰۰ نمره زمین توزیع‌شده و صرف چند نمره زمین بالاتر از نمرات توزیع‌شده در

ساحه باقی مانده که باید از این نمرات به این افراد توزیع شود. والی آن وقت ولایت غزنی این پیشنهاد را نیز منظور کرده است. نمایندگی بانک مرکز افغانستان در ولایت غزنی در پیشنهادی نوشته که هفت کارمند این بانک سرپناه ندارند و همچنان



در بخش عودت و مهاجران «صادقانه» کار می‌کنند که برای‌شان زمین در شهرک مهاجرین توزیع شود. این پیشنهاد از سوی والی غزنی منظور و برای کارمندان بانک مرکزی زمین توزیع شده است. یک مکتوب دیگر نشان می‌دهد که ریاست دادستانی وزارت امور داخله در پیشنهادی خواستار توزیع زمین به ۱۲ افسر این دادستانی شده و تذکر داده شده که این افراد در شهر کابل خانه به دوش می‌باشند. به این افراد نیز در شهرک مهاجرین زمین داده شده است.

مدیر تعلیم و تربیه فرماندهی پولیس آن زمان ولایت غزنی در پیشنهادی گفته که خانه ندارد و برایش در شهرک مهاجرین یک نمره زمین توزیع شود. در مورد دیگر، صیغت‌الله مجددی، رییس کمیسیون مستقل ملی تحکیم صلح در نامه‌ای به والی غزنی گفته که محمداکرم میرهزار، رییس اداری این کمیسیون یک شخص فعال و از اخلاص‌ندان وی می‌باشد، بنابراین یک نمره زمین از زمین‌های دولتی توزیع شود. به این دو تن براساس منظوری والی سابق ولایت غزنی زمین توزیع شده است.

در موارد دیگر، چندین باشنده‌ی عادی شهر غزنی و یا ولایت‌های دیگر در عریضه‌های‌شان خواستار توزیع زمین در شهرک مهاجرین شده‌اند که با منظوری والی آن وقت غزنی برای آنان زمین توزیع شده است. همچنان از اداره‌های مختلف برای افراد خواستار توزیع زمین شده است که در نهایت برای آنان زمین توزیع شده است.

غصب دوهزار نمره زمین از سوی زورمندان و باشندگان روستاهای اطراف شهرک

در گزارش هیأت بررسی‌کننده وزارت مهاجرین و عودت‌کنندگان آمده است که حدود دوهزار نمره زمین رهایشی شهرک مهاجرین با ساحات عام‌المنفعه‌ی آن از سوی زورمندان و باشندگان روستاهای قلاتی، خیرآباد، سیاه گل و مشکان غصب شده‌اند و این زمین‌ها به ساحه‌ی زراعتی تبدیل شده است. هرچند گزارش‌های غصب این زمین‌ها در چند سال گذشته به مراجع ذیصلاح فرستاده شده، اما نتیجه‌ای در پی نداشته است. محمدعلی ولد غلام نبی، عباس ولد محمد ابراهیم، امام‌الدین ولد فخرالدین، حسام‌الدین ولد فخرالدین، غلام جیلانی



مشهور به حاجی لالا ولد سخیداد، قربان و شکور مالکان رهنمایی معاملات که اکثر خرید و فروش زمین در شهرک را انجام می‌دهند، از سوی ریاست مهاجرین ولایت غزنی به‌عنوان غاصبان زمین شهرک مهاجرین به نهادهای امنیتی معرفی شده است. نمره‌های سفید و ساحات عام‌المنفعه توسط این افراد غصب شده است. همچنان یافته‌های هیأت مختلط با ریاست معاون دادستانی کل نشان می‌دهد که مقام‌های وقت ولایت غزنی هفت‌هزار و ۷۲۰ نمره زمین شهرک مهاجرین را از طریق کمیسیون توزیع زمین در یک پروسه مبهم و کوتاه و بدون تصدیق عدم سرپناه توزیع کرده‌اند.

براساس یافته‌های این هیأت، نصف یک هزار نمره زمین شهرک مهاجرین که برای ساحات عام‌المنفعه اختصاص داده شده به افراد توزیع شده و نصف دیگر آن غصب شده است. همچنان زمین به بهانه‌های سرچاه‌های آب از سوی باشندگان اطراف شهرک به گونه‌ی گسترده غصب شده و حتا خانه‌های مردم را تخریب کرده‌اند و بر زمین‌های توزیع‌شده ادعای ملکیت می‌کنند. نمرات رهایشی به باشندگان مناطق قلاتی، خیرآباد و سیاه گل واگذار شده که این امر بدون رعایت و عملی‌شدن پروسه‌ی تصفیه و استملاک، غصب حساب می‌شود.

فروش غیرقانونی زمین‌های توزیع‌شده ماده یازدهم فرمان ۱۰۴ ریاست‌جمهوری



قید کرده است کسانی که در شهرک‌های مهاجرین زمین می‌گیرند تا ۱۰ سال نمی‌توانند، زمین خود را بفروشند. اما برخلاف این ماده‌ی فرمان، برخی از فامیل‌ها زمین‌های خود را فروخته‌اند و برخی از رهنمایی‌های معاملات از شروع توزیع زمین شهرک مهاجرین، دست به خرید و فروش زمین زده‌اند. در گزارش هیأت مختلط آمده است که رهنمایی‌های معاملات از آغاز پروژه‌ی توزیع زمین در این شهرک، دست به کار شده و زمین‌های شهرک را خرید و فروش می‌کنند. همچنان برخی از افراد برای تجارت نامشروع زمین‌ها با موقعیت بهتر در در تبانی با کمیسیون توزیع زمین، مسئولان ارشد ولایت غزنی، مسئولان ریاست امور مهاجرین به‌دست آورده و بعداً آن را به فروش رسانده‌اند که باید دوباره مسترد شود.

در گزارش هیأت بررسی‌کننده وزارت امور مهاجرین آمده است که قربان و شکور مالکان رهنمایی معاملات اکثر خرید و فروش زمین در شهرک مهاجرین ولایت غزنی را انجام می‌دهند.



گزارش

نشر احصاییه ۱۳۹۹؛

پنجاه درصد نفوس کشور در درآمد خانواده‌ها سهم ندارند



میلیون دالر و مجموع صادرات ۸۶۳٫۸ میلیون دالر بوده است. این ارقام نشان می‌دهد که واردات کشور در سال ۱۳۹۹ نسبت به سال ۱۳۹۸ ۳٫۵ درصد و صادرات ۱۰ درصد کاهش یافته است: «قابل ذکر است که در مجموع ارزش واردات در سال مالی ۱۳۹۹ به ارزش ۲۵۳٫۵ میلیون دالر واردات برق نیز شامل می‌شود.

درجه‌ی تحصیل کارمندان دولت

طبق این سالنامه، در سال ۱۳۹۹ از میان ۳۲۴ هزار و ۶۲۰ کارمندان خدمات ملکی دولتی ۴۰۸ نفر دارای مدرک دکترا، ۹۰۴۲ نفر ماستر، ۸۸ هزار و ۴۷۸ نفر لیسانس و ۲۲۶ هزار و ۶۸۳ تن دیگر پایین‌تر از درجه‌ی لیسانس دارند. این آمار و ارقام نشان می‌دهد که اکثر کارمندان دولتی درجه‌ی تحصیل پایین‌تر از لیسانس دارند.

شمار دانشجویان

براساس داده‌های اداره‌ی احصاییه و معلومات، در سال ۱۳۹۹ مجموع دانشجویان دانشگاه‌های دولتی و مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی بیش از ۳۸۷ هزار و ۹۴۶ نفر بوده که به تناسب سال قبل ۸٫۶ درصد کاهش را نشان می‌دهد. از این میان ۲۷۹ هزار و ۹۴ تن پسر و ۱۰۸ هزار و ۸۵۲ تن دختر می‌باشند. در این سالنامه همچنان به شمار استادان دانشگاه‌ها به تفکیک جنسیت اشاره شده است. طبق آمار اداره‌ی احصاییه، در سال ۱۳۹۹ شمار استادان دانشگاه‌های خصوصی و دولتی به ۱۸ هزار و ۹۹۸ تن رسیده که از این میان ۲۶۱۷ تن آنان را زنان و ۱۶ هزار و ۳۸۱ تن دیگر را مردان تشکیل می‌دهند.

آمار و ارقام خشونت علیه زنان، جرایم جنایی، حادثه ترافیکی و ساحات ملوث با ماین
براساس سالنامه‌ی احصایوی، در سال ۱۳۹۹ در مجموع ۴۵۳۱ مورد خشونت علیه زنان در کشور به ثبت رسیده است که نسبت به سال گذشته ۳۵٫۹ افزایش را نشان می‌دهد.

شمار رویدادهای جنایی که در سال ۱۳۹۹ در کشور به ثبت رسیده است، به ۱۷ هزار و ۹۰۳ مورد می‌رسد که نسبت به سال ۱۳۹۸، ۱٫۶ درصد کاهش را نشان می‌دهد.

به همین ترتیب، شمار رویدادهای ترافیکی که در سال ۱۳۹۹ به ثبت رسیده، ۲۶۱۹ رویداد بوده که نسبت به سال ۱۳۹۸، ۱۱٫۹ درصد کاهش داشته است.

در نهایت، بررسی اداره‌ی احصاییه و معلومات کشور نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۹، در مجموع ۱۳۵۴ کیلومتر مربع اراضی در سطح کشور ملوث با ماین بوده که از این میان ۸۳ کیلومتر مربع پاکسازی شده است. در نشریه همچنان آمده است که به‌دلیل نبود بودجه‌ی کافی و ناامنی، در اکثر ولایات پاکسازی صورت نگرفته است.

حمل و نقل هوایی

در بخش حمل و نقل هوایی ارقام احصایوی سال مالی ۱۳۹۹ نشان می‌دهد که خط هوایی دولتی (آریانا) به مقدار ۵۸۶ تن جنس تجاری را انتقال داده است. در سوی دیگر خطوط هوایی خصوصی در این سال ۸۶۰ هزار مسافر را منتقل کرده‌اند.

تولید برق

ارقام در این سالنامه‌ی احصایوی نشان می‌دهد که تولید و توزیع برق از ۶۱۹ هزار و ۷۶۲ میلیون کیلووات در ساعت در سال مالی ۱۳۹۸ به ۶۱۸ هزار و ۲۷۴ کیلووات در ساعت در سال ۱۳۹۹ کاهش یافته است.

اداره‌ی احصاییه و معلومات کشور هر سال سالنامه‌ی احصایوی کشور را منتشر می‌کند. به گفته‌ی این اداره نشر سالنامه‌ی احصایوی برعلاوه‌ی این‌که تصویر مکمل از وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور را از نظر احصایوی ارائه می‌کند به وزارت‌ها، ادارات دولتی، سازمان‌های غیردولتی، بخش خصوصی و همچنان جامعه‌ی بین‌المللی برای طرح برنامه‌ها و اتخاذ تصمیم مهم کمک می‌کند.

حکم محکمه ابتداییه رد و هر کدام آن‌ها به یک-یک سال حبس تنفیذی محکوم می‌شود.

بعدا عبدالحمید وفا درخواست فرجام‌خواهی می‌کند و پرونده به دادگاه عالی راجع می‌شود که دیوان امنیت عامه دادگاه عالی با صدور قرار قضایی مورخ ۱۰ جدی ۱۳۹۸، حکم دادگاه استیناف را در مورد عبدالحمید وفا تأیید می‌کند. در مورد غلام مصطفی و حکیم‌الله در نهایت دادگاه عالی در قرار قضایی ۲۳ جوزای ۱۳۹۱ به رد حکم دادگاه استیناف غزنی حکم صادر می‌کند. همچنان دادگاه عالی هدایت می‌دهد که قضیه شهرک مهاجرین به‌صورت همه‌جانبه بررسی شود. بررسی روی قضیه آغاز می‌شود که شهردار و رییس روی قضیه و فرهنگ سابق ولایت غزنی بر این حکم دادگاه عالی اعتراض می‌کند که در پی آن معاونت دادستانی کل در امور نظارت خواستار مطالبه پرونده به کابل می‌شود. در نهایت کمیته موظف فیصله می‌کند که نام‌های غلام مصطفی و حکیم‌الله از پرونده شهرک مهاجرین خارج شود و این فیصله در تاریخ ۱۲ جدی ۱۳۹۱ از سوی معاون دادستانی کل در امور نظارت تأیید می‌شود.

در گزارش هیأت مختلط آمده که فرماندهی پولیس ولایت غزنی از جلب ۴۸۵ غاصب زمین‌های دولتی در این ولایت معلومات داده و شماری را به ریاست دادستانی استیناف معرفی کرده است، اما در مورد غاصبان زمین شهرک مهاجرین به‌دلیل عدم شکایت مراجع ذیربط اجرائی صورت نگرفته است.

بیشتر زمین‌های شهرک مهاجرین ولایت غزنی با منظوری شیرعلم ابراهیمی، به افراد غیرواجد شرایط توزیع شده بود، اما وی تحت پیگرد عدلی و قضایی قرار نگرفت. صرف در حکم دادگاه ابتدایی ولایت غزنی آقای ابراهیمی قابل پیگرد عدلی دانسته شده بود، اما وی در حال حاضر زنده نیست.

تحقیقات اخیر دادستانی کل به کجا رسیده است؟

هیأت بررسی‌کننده وزارت مهاجرین و عودت‌کنندگان در گزارش خود پیشنهاد کرده که براساس ماده ۱۳۴ قانون اساسی افغانستان، این گزارش برای تحقیقات بیشتر و برخورد با متخلفان و مستردکردن زمین‌های توزیع‌شده غیرقانونی به دادستانی فرستاده شود. پرونده شهرک مهاجرین ولایت غزنی مشخصاً توزیع یک‌هزار و ۹۹۵ نمره زمین به افراد غیرمستحق به تاریخ ۱۲ سنبله ۱۳۹۸ به دادستانی کل افغانستان فرستاده شده است.

هرچند دادستانی کل افغانستان می‌گوید که قضیه شهرک مهاجرین ولایت غزنی به دادستانی استیناف ولایت غزنی راجع شده و آن ریاست موضوع غصب زمین شهرک مهاجرین ولایت غزنی را زیر بررسی دارد، اما یک منبع معتبر به اطلاعات روز می‌گوید که با گذشت نزدیک به دو سال از فرستادن این پرونده، هنوز دادستانی کل افغانستان اقدام خاصی نکرده است.

اطلاعات روز به مکتوب‌های ریاست دادستانی استیناف ولایت غزنی دست یافته که نشان می‌دهد این نهاد تنها چند مکتوب به ادارات ذیربط فرستاده تا در مورد شهرک مهاجرین معلومات دهد. به‌عنوان نمونه، دادستانی استیناف غزنی در دوم ثور ۱۳۹۹ طی مکتوبی به ریاست امور مهاجرین ولایت غزنی گفته که آن ریاست زمین‌های غصب‌شده را دقیق بررسی کرده و غاصبان را شناسی کند. بار دیگر به تاریخ ۱۰ سرطان ۱۳۹۹ مکتوبی را با همان محتوا به ریاست مهاجرین فرستاده است. بعد از گذشت ماه‌ها در ۳۰ حوت ۱۳۹۹ مکتوبی را با همان محتوا به فرماندهی ولایت غزنی فرستاده است.

آنچه اسناد و شواهد نشان می‌دهد دادستان استیناف ولایت غزنی در مورد قضیه شهرک مهاجرین ولایت غزنی، شناسایی و پیگرد غاصبان، جلوگیری از غصب بیشتر زمین‌های شهرک، استرداد زمین‌های توزیع‌شده غیرقانونی و تطبیق حکم ریاست‌جمهوری تاکنون اقدام خاصی نکرده است. یک عضو شورای ولایتی غزنی نیز می‌گوید که در مورد شهرک مهاجرین اقدام جدی روی دست گرفته نشده است.

چگونگی تعیین هیأت

ریاست‌جمهوری افغانستان در ۱۷ جدی ۱۳۹۶ طی حکمی، یک هیأت را برای بررسی شهرک مهاجرین ولایت غزنی با ریاست معاون دادستانی کل موظف می‌کند. نمایندگان وزارت‌های عدلیه، داخله، شهرسازی و مسکن، مهاجرین، زراعت، ریاست امنیت ملی، اداره ارگان‌های محلی و ولایت غزنی اعضای این هیأت بوده‌اند.

هیأت پس از تهیه گزارش و ارائه آن به ریاست‌جمهوری، رییس‌جمهوری غنی بار دیگر به تاریخ ۱۶ جوزای ۱۳۹۷ در حکمی وزارت امور مهاجرین و عودت‌کنندگان را موظف می‌کند که اسناد توزیع زمین در شهرک مهاجرین را بررسی و در صورتی‌که توزیع غیرقانونی صورت گرفته باشد، در تفاهم با ادارات عدلی و قضایی و با در نظرداشت عدالت اجتماعی مصادره کند.

در این حکم آمده در صورتی‌که مسئولان دولتی در مورد توزیع غیرقانونی نمرات رهایشی و یا برای تصاحب توسط افراد، زمینه‌سازی کرده باشند، غاصب و زمینه‌ساز شناسایی و به ارگان‌های عدلی و قضایی معرفی شوند. به وزارت مهاجرین وظیفه داده شده بود که در همکاری با ارگان‌ها کشفی، عدلی و قضایی در مورد شفاف ساختن اجرائات پیرامون شهرک البیرونی و تعقیب عدلی مظنونین و متهمین اقدامات قانونی کند. کسانی که زمین‌های رهایشی خود را خلاف فرمان ۱۰۴ فروخته باشند، تثبیت شده و زمین‌های آن‌ها مسترد شود.

در این حکم ادارات ذیربط دولتی مکلف شده است که با در نظرداشت یافته‌های هیأت موظف، به‌منظور اصلاح، تنظیم امور مربوطه، تأمین عدالت، جلوگیری از غصب، بهبود و شفافیت در اجرائات در مورد شهرک البیرونی در مدت شش ماه اقدامات قانون کرده و از اجرائات خود به ریاست‌جمهوری اطمینان دهند.

پس از این حکم، وزارت مهاجرین به تاریخ سوم حمل ۱۳۹۸ هیأتی را برای بررسی شهرک مهاجرین ولایت غزنی تطبیف و هیأت گزارش خود را به تاریخ اسد ۱۳۹۸ ارائه می‌کند. هیأت اسناد و دوسییه‌های توزیع هفت‌هزار و ۶۴۷ نمره زمین را بررسی کرده است. ریاست مهاجرین ولایت غزنی گفته که هفت‌هزار و ۷۲۰ نمره زمین در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ توزیع شده است، اما اسناد توزیع ۷۳ نمره زمین موجود نبوده و در اختیار هیأت قرار داده نشده است.

چگونگی پیگرد غاصبان و مسئولان خاطی؛ تنها یک تن زندانی شده است

در پیوند توزیع غیرقانونی زمین‌های شهرک مهاجرین ولایت غزنی، در سال‌های گذشته شماری از مقام‌های سابق این ولایت که در روند توزیع زمین دخیل بوده‌اند، دادگاهی شده‌اند، اما تنها رییس سابق ریاست مهاجرین ولایت غزنی محکوم به مجازات و زندانی شده است. همچنان در برابر غاصبان زمین شهرک مهاجرین هیچ اقدامی نشده است.

دادگاه ابتداییه امنیت عامه ولایت غزنی در ماه جدی ۱۳۸۸ غلام مصطفی، رییس سابق اطلاعات و فرهنگ را به سه سال حبس تنفیذی، عبدالحمید وفا، رییس سابق ریاست مهاجرین را به یک سال و شش ماه حبس تنفیذی و حکیم‌الله غزنیوال، شهردار غزنی را به دو سال حبس تنفیذی محکوم به مجازات می‌کند. چون تنها رییس امور مهاجرین در جلسه دادگاه حاضر بوده، حکم دادگاه بر او تطبیق و به مدیریت زندان غزنی معرفی می‌شود. دو متهم دیگر چون در جلسه دادگاه حاضر نبوده، زندانی نمی‌شود. پس از اعتراض عبدالحمید وفا، پرونده به دادگاه استیناف ولایت غزنی راجع می‌شود که قرار فیصله ۱۹ حوت ۱۳۸۸، در مورد عبدالحمید وفا حکم دادگاه ابتداییه تأیید می‌شود. در مورد شهردار غزنی و رییس اطلاعات و فرهنگ

ناسا برای اولین بار یک پهپاد را روی مریخ به پرواز درآورد

هلی‌کوپتر که برای بلند شدن آن از زمین لازم است به سختی انجام شود. به همین دلیل پهپاد اینجنیویتی بسیار سبک ساخته شده و تنها ۱٫۸ کیلوگرام وزن دارد. دانشمندان امیدوارند این پرواز آزمایشی چشم‌انداز اکتشافات در فضا و دنیای دوردست را متحول کند.

در ارتفاع بالاتر و زمان بیشتری پرواز خواهد کرد تا مهندسان بتوانند مرزها و محدودیت‌های این فناوری را کشف کنند. پرواز روی مریخ به دلیل ویژگی‌های جو سیاره سرخ کار آسانی نیست و چگالی جو آن تنها یک درصد جو زمین است. این مسئله باعث می‌شود درگیری پره‌های

عنوان اولین پرواز کنترل‌شده یک وسیله هوایی در «دنیایی دیگر» جشن می‌گیرد. خبر موفقیت این پرواز را ماهواره‌ای روی مریخ با ارسال اطلاعات و تصاویر آن به زمین تایید کرد. ناسا گفته است که در روزهای آینده پروازهای بیشتری روی مریخ انجام خواهد شد و اینجنیویتی

اطلاعات روز: ناسا اعلام کرد که برای اولین بار یک پهپاد را با موفقیت در فضای مریخ به پرواز درآورده است.

به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، زمان پرواز این هلی‌کوپتر بدون سرنشین کوچک با نام «اینجنیویتی» (نبوغ) حدود ۴۰ ثانیه بود اما ناسا می‌گوید این اتفاق را به

روسیه ۲۰ دیپلمات جمهوری چک را اخراج کرد

آنها را روسلان تاباروف، از تاجیکستان و دیگری را نیکلای پوپا، شهرند مولداوی معرفی می‌کرده است. ماموران اطلاعاتی جمهوری چک عکس گذرنامه این دو نفر را با تصاویر دوربین‌های مداربسته از مظنونان حمله با گاز سمی در بریتانیا مطابقت کردند. این دو نفر در ماه مارچ سال ۲۰۱۸ با نام‌ها روسلان بشیرف و الکساندر پتروف به بریتانیا سفر کردند. هر دو در تصاویر دوربین‌های مدار بسته شهر سائزبوری شناسایی شدند و پولیس آنها را به عنوان مظنون‌های حمله با گاز سمی به سرگئی اسکرپپال، مامور سابق اطلاعات ارتش روسیه، معرفی کرد. بعد از آن حمله آقای اسکرپپال و دخترش مدت‌ها در بیمارچنان بستری بودند و یک زن هم بعد از چند ماه در اثر قرار گرفتن در معرض گاز نوویچوک جانش را از دست داد.

می‌شود وظیفه سازمانی آن خرابکاری، براندازی و ترور است. در این تحقیقات نام دو مظنون روس مطرح شد که قبلا در پرونده حمله به یک جاسوس سابق روسیه با ماده سمی نوویچوک در شهری در بریتانیا، به عنوان مظنون‌های اصلی معرفی شده بودند. پولیس چک نام این دو نفر را الکساندر میشکین و آناتولی چیپکوف اعلام کرد که گفته می‌شود هر دو مامور اطلاعات ارتش روسیه هستند. ماموران در جریان تحقیقاتشان درباره انفجار انبار سلاح به یک ایمیل دست یافتند که به شرکت اداره‌کننده این انبار فرستاده شده بود. گفته می‌شود این ایمیل از گارد ملی تاجیکستان فرستاده شده بود و درخواست بازدید دو نفر از محل انبار در آن مطرح شده بود. تصویر گذرنامه این دو نفر پیوست ایمیل بوده که یکی از

این وزارتخانه در بیانیه‌ای گفت: «دولت چک در تلاش برای جلب رضایت امریکا و با پس‌زمینه تحریم‌های ایالات متحده علیه روسیه، از اربابش در آن سوی اقیانوس هم پشیی گرفت.» وزارت خارجه امریکا پیشتر با تحسین «واکنش قاطع علیه اقدامات خرابکارانه روسیه در خاک چک» اعلام کرده بود که در کنار جمهوری چک می‌ایستد.

سرنخ‌های تازه از انفجار هفت سال پیش چه بود؟ روز ۱۶ اکتبر سال ۲۰۱۴ انفجار مهیبی در انبار تسلیحات و مهمات در جنگلی در جمهوری چک رخ داد که دو کشته به جا گذاشت. در آن زمان این انفجار به عنوان یک حادثه در نظر گرفته شد.

اما تحقیقات جدید انگشت اتهام را به سوی واحدی در اطلاعات ارتش روسیه (GRU) نشانه رفت که گفته

حمله راکتی به پایگاه هوایی میزبان نیروهای امریکایی در عراق پنج زخمی بر جای گذاشت

علیه منافع امریکا در عراق رخ داده و از جمله پایگاه‌های نظامی که نیروهای امریکایی در آن مستقر هستند هدف این حملات قرار گرفته است. پیش از آن نیز در زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ در ایالات متحده، از پاییز سال ۲۰۱۹ به این سو اماکن امریکایی در عراق ده‌ها بار هدف حمله قرار گرفتند که در جریان آن دو شهروند امریکایی و یک شهروند عراقی کشته شدند. خبرگزاری فرانسه می‌نویسد که برخی از این حملات به گروه‌های شبه‌نظامی شیعی هم‌راستا با ایران نسبت داده شده که از دولت بایدن می‌خواهند نیروهای امریکایی را از عراق خارج کند. روز چهارشنبه گذشته نیز یک پهپاد حامل مواد منفجره با فرودگاه اربیل عراق تصادم کرد، فرودگاهی که نیروهای ائتلاف به رهبری ایالات متحده در آن مستقر هستند. آن حمله تلفات جانی نداشت اما به یکی از ساختمان‌هایی که در بخش نظامی فرودگاه واقع شده بود، خسارت زد.

اطلاعات روز: پایگاه هوایی البلد عراق که سربازان امریکایی در آن مستقر هستند، شامگاه یکشنبه ۲۹ حمل هدف حمله راکتی قرار گرفت و در جریان این حمله دو پیمانکار خارجی و سه سرباز عراقی زخمی شدند. به گزارش رادیو فردا، خبرگزاری فرانسه به نقل از یک منبع امنیتی گزارش داد که دو فروند از آن راکت‌ها به یک خوابگاه و رستوران کمپانی امریکایی سالی‌پرت برخورد کرده است. هنوز هیچ گروهی مسئولیت این رخداد را بر عهده نگرفته است اما این گزارش می‌گوید که ایالات متحده به طور معمول گروه‌های عراقی مرتبط با ایران را مسئول حملاتی از این دست می‌داند. پایگاه هوایی البلد محل استقرار جنگنده‌های اف-۱۶ و چندین شرکت تعمیراتی با کارکنان عراقی و خارجی است. از زمان روی کار آمدن دولت جو بایدن در ایالات متحده تاکنون حدود ۲۰ حمله با راکت یا بمب

خروج قطار از ریل در مصر دست‌کم ۱۱ کشته و حدود ۱۰۰ زخمی به‌جا گذاشت



اطلاعات روز: خارج شدن یک قطار مسافری از ریل در شمال قاهره، پایتخت مصر دست‌کم ۱۱ کشته به‌جا گذاشت. وزارت بهداشت مصر اعلام کرد در اثر این حادثه که شامگاه یکشنبه در شهر بنها، در حاشیه‌ی قاهره روی داد، دست‌کم ۹۸ تن زخمی شده‌اند. به گزارش یورونیوز فارسی، علت اصلی بروز این حادثه هنوز روشن نشده است اما به نوشته‌ی رسانه‌های مصری دست‌کم ۱۰ مأمور راه‌آهن، از جمله راننده‌ی قطار و کمک‌راننده‌ی او پس از حادثه دستگیر شده‌اند و تحت بازجویی قرار دارند. شماری از زخمی شدگان که از حادثه جان به‌در برده‌اند به خبرنگاران گفتند که پیش از حادثه از سرعت بیش حد قطار تعجب کرده بودند. راه‌آهن مصر سال‌هاست به دلیل ضعف مدیریت شاهد حوادث مشابهی است. سه هفته پیش در ۲۵ مارچ نیز دو قطار مسافری در استان سوهاج این کشور با هم تصادف کردند که در نتیجه ۱۸

تن کشته و ۲۰۰ تن دیگر زخمی شدند. دلیل این حادثه «خطای فاحش» کارکنان راه‌آهن اعلام شد. مرگبارترین این حوادث در سال ۲۰۰۲ روی داد و طی آن، ایجاد حریق در قطاری که شبانه از قاهره عازم جنوب این کشور بود جان ۳۰۰ تن را گرفت. عبدالفتاح سیسی، رئیس جمهوری مصر در سال ۲۰۱۸ اعلام کرد که دولت برای بازسازی راه‌آهن کشور به ۱۴ میلیارد دالر بودجه نیاز دارد.

نماینده روسیه:

مذاکرات برجام وارد مرحله تهیه پیش‌نویس شد

بازیابی توافقنامه با رهیافت «تعهد در برابر تعهد» است. با این حال این مقام دولت جو بایدن گفته که امریکا تا از بازگشت ایران به تعهداتش مطمئن نشود، هیچ امتیازی نمی‌دهد.

پیش‌بینی اسرائیل از ظهور توافق جدید

از سوی دیگر شبکه ۱۲ تلویزیون اسرائیل گزارش داده که این کشور نگران است دولت بایدن برای بازگشت به توافق هسته‌ای «خیلی مشتاق» باشد. در این گزارش به نقل از یک مقام اسرائیلی که نامش اشاره نشده، گفته شد که هم واشنگتن و هم تهران علاقه‌مند به توافق هستند و تهران می‌تواند بگوید که آمریکا مایل است برای این کار چیزهای زیادی را واگذار کند. یکی دیگر از مقامات اسرائیلی اخیرا به آکسیوس گفته است که کشورش پیش‌بینی ظهور یک توافق جدید با ایران طی چند هفته آینده را کرده است.

را تایید کرده‌اند. هیات‌های دیپلماتیک ایران و امریکا در زمان مذاکرات وین در دو هتل جدا اما بسیار نزدیک به هم مستقر بوده‌اند و نمایندگان اروپا میان آن‌ها میانجی‌گری می‌کنند. خطیب‌زاده اشاره کرده آنچه در وین در جریان است گفت‌وگوهای فنی درباره چگونگی «رفع تحریم‌ها» و بازگشت امریکا به تعهداتش در برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد است. از سوی دیگر بلومبرگ هم نوشته امریکا و ایران به پایان دادن به اختلاف در زمینه توافقی هسته‌ای نزدیک‌تر شده‌اند.

امریکا: مطمئن نشویم، امتیاز نمی‌دهیم

جیک سالپوان، مشاور امنیت ملی ایالات متحده، روز یکشنبه به شبکه فاکس‌نیوز گفت: «مذاکرات در وین سازنده بوده است.» او این را به معنای انجام تلاش واقعی در اتریش دانست و افزود تمرکز قدرت‌های جهانی بر

داشته باشیم. این مقام جمهوری اسلامی یک بار دیگر هرگونه مذاکره مستقیم یا غیرمستقیم با امریکا در وین را رد کرد، این در حالی است که طرف‌های اروپایی و امریکا گفت‌وگو با ایران



اطلاعات روز: نماینده روسیه در مذاکرات برجام در وین از ورود به مرحله تهیه پیش‌نویس خبر داد، همزمان وزارت امور خارجه ایران هم اعلام کرده «پیشرفت‌هایی» در این زمینه حاصل شده است.

به گزارش ایران اینترنشنال، میخائیل اولیانوف، دیپلمات روس که مسکو را در مذاکرات وین نمایندگی می‌کند، روز دوشنبه ۳۰ حمل در صفحه تویت‌ش نوشت گفت‌وگوها پس از دو هفته وارد مرحله تهیه پیش‌نویس شده، اما همچنان «راه‌حل‌های عمومی» بسیار دور هستند. اولیانوف افزود: «ما از حرف‌های کلی به سمت توافق بر سر قدم‌های مشخص در راستای هدف حرکت کرده‌ایم.» همزمان در ایران سعید خطیب‌زاده، سخنگوی وزارت امور خارجه، گفته است «در مسیر درستی هستیم و پیشرفت‌هایی نیز حاصل شده، اما به این معنی نیست که به مرحله نهایی گفت‌وگوها رسیده باشیم.» خطیب‌زاده اشاره کرد که قرار نیست توافقی جدیدی «کنار برجام»

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com

• سردبیر چاپی: م.علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶

• سردبیر آنلاین: الباس نواندپیش

• گزارش‌گران و خبرنگاران: ابودر ملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی

• مترجم: جلیل پژواک

• ویراستار: شیر مهریار

• صفحه آرا: رضا مظفری

• ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا

• ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

• شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

• توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

• شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷

• آدرس: کابل، کارته‌سه

خبرهای کوتاه

مورینیو از تاتنهام اخراج شد

باشگاه تاتنهام بعد از عملکرد ضعیف در لیگ برتر اقدام به اخراج ژوزه مورینیو از این تیم کرد.

به نقل از دیلی میرور، تاتنهام بعد از عملکرد ضعیف در این فصل لیگ برتر و حضور در رده هفتم جدول رده بندی از این تیم اخراج شد.

تاتنهام در این فصل در لیگ اروپا مدعی قهرمانی بود که با شکست برابر دیناموزاگرب حذف شد و بعد از تساوی جمعه شب برابر اورتون، کار این تیم برای کسب سهمیه لیگ قهرمانان سخت شد و به همین خاطر دیلی میرور خبر داد این مربی از هدایت تیم خود برکنار شده است.

باید دید واکنش باشگاه تاتنهام چه خواهد بود.

این اخراج کمتر از ۲۴ ساعت پس از آن اعلام شد که تاتنهام قصد حضور در سوپرلیگ را دارد و بنابراین خبر اخراج مورینیو می تواند به عنوان یک تلاش برای این باشد که توجه ها از خبر قبل کاسته شود.

مورینیو اکنون توسط سه باشگاه مختلف در انگلیس اخراج شده است؛ چلسی ، دو بار ، منچستر یونایتد و تاتنهام.

ام‌باپه:

این است تیم من!

ستاره پاری سن ژرمن واکنش جالبی بعد از درخشش در دیدار برابر سن آتین داد.

به نقل از اکسپرس، کیلیان ام‌باپه در دیدار برابر سن آتین درخشید و باعث شد تا تیمش سه امتیاز ارزشمند را به دست آورد. ام‌باپه در این بازی دو گل به ثمر رساند تا اختلاف با لیل صدرنشین تنها به یک امتیاز کاهش پیدا کند.

این بازیکن جوان بعد از بازی پستی را منتشر کرد که بار دیگر گمانه زنی های را درباره ماندن او در پاری سن ژرمن بیشتر کرد. او نوشت: عجب بازی بود. این است تیم من.

ام‌باپه سخت مورد توجه رئال مادرید قرار گرفته و گمانه‌زنی‌های زیادی درباره پیوستن او به کهکشانی‌ها در تابستان به گوش می‌رسد البته درخشش پاری سن ژرمن در دو فصل اخیر لیگ قهرمانان اروپا باعث شده است تا احتمال جدایی این بازیکن کم شود.

ام باپه تا تابستان ۲۰۲۲ با پاری سن ژرمن قرارداد دارد.

اختصاص می یابد.

رئیس سوپرلیگ فلورنتینوپرز رئیس باشگاه رئال مادرید است و جو گلیزر مالک منچستریونایتد نیز نایب رئیس خواهد بود. این در حالی است که ساعتی پیش از اعلام رسمی شکل گیری سوپرلیگ، اتحادیه فوتبال اروپا با انتشار بیانیه ای واکنشی بسیار منفی و تند به برگزاری آن نشان داد و تیم های موسس را تهدید به اخراج از تمام رقابت های اروپایی کرد.

فیفا نیز تهدید کرده است که به بازیکنان این تیم ها اجازه حضور در جام جهانی و تورنمنت های بین المللی را نمی دهد:» یوفا، اتحادیه فوتبال انگلیس و لیگ برتر، فدراسیون فوتبال اسپانیا و لالیگا، فدراسیون فوتبال ایتالیا و سری آ با خبر شده اند که ممکن است چند باشگاه انگلیسی، اسپانیایی و ایتالیایی قصد حضور در یک رقابت که به اصطلاح سوپر لیگ اروپایی نامگذاری شده، را داشته باشند. اگر این اتفاق رخ دهد می خواهیم یک بار دیگر تکرار کنیم که ما، یوفا، اتحادیه فوتبال انگلیس، لیگ برتر، سری آ، فدراسیون فوتبال اسپانیا و ایتالیا و حتی فیفا و تمام انجمن های زیر مجموعه ما برای متوقف کردن این ایده متحد خواهیم شد.

این پروژه بدبینانه طرحی است که بر اساس منافع شخصی چند باشگاه و در زمانی بنا نهاده شده که ما بیش از هر موقعی به همبستگی احتیاج داریم. ما برای جلوگیری از این اتفاق تمام تدابیر موجود در همه سطوح اعم از قضایی و ورزشی را در نظر خواهیم گرفت. فوتبال مبتنی بر مسابقات آزادانه و شایستگی های ورزشی است. راه دیگری وجود ندارد.»

خداحافظ لیگ قهرمانان!

زلزله مهیب در فوتبال؛ سوپرلیگ اروپا متولد شد



اقتصادی باشگاه نیاز است. در ماه های اخیر گفت و گوها بین باشگاه های موسس جدی تر شد.

باشگاه های موسس معتقدند که راه حل های ارائه شده توسط اتحادیه فوتبال اروپا برای تغییر شکل برگزاری لیگ قهرمانان، پاسخگو نیازها نخواهد بود. برای حفظ منابع مالی نیاز به تاسیس سوپرلیگ حس می شد تا هر هفته شاهد برگزاری بازی های بزرگ و باکیفیت تر باشیم.»

شکل برگزاری

سوپرلیگ با حضور ۲۰ تیم برگزار خواهد شد. ۱۵ باشگاه موسس و ۵ باشگاه که سال به سال بر اساس عملکردشان در فصل گذشته برگزیده خواهند شد.

فصل از ماه آگوست شروع می شود و تیم ها در دو گروه ۱۰ تیمی قرار می گیرند و هر هفته بازی ها به انجام می رسند. بازی هایی رفت و برگشت که در نهایت سه تیم نخست هر گروه مستقیما راهی یک

در نهایت باشگاه های بزرگ اروپایی اقدام خود را عملی کردند و علی رغم تهدیدهای یوفا و فیفا رسماً خبر از شروع سوپرلیگ از تابستان ۲۰۲۱ دادند.

بله؛ سوپرلیگ اروپا رسماً متولد شد و با بیانیه رسمی باشگاه رئال مادرید از همین تابستان شروع به فعالیت خواهد کرد.

در این بیانیه ۱۲ باشگاه به عنوان موسس سوپرلیگ جدید اروپایی نام برده شده اند که در واقع مقابل لیگ قهرمانان یوفا قرار می گیرد.

رئال مادرید، منچستریونایتد، آرسنال، چلسی، تاتنهام، سیتی، لیورپول، بارسلونا، اتلتیکو مادرید، اینترمیلان، آث میلان و یوونتوس باشگاه های موسس سوپرلیگ اروپا هستند. سه باشگاه اسپانیایی، شش باشگاه انگلیسی و سه باشگاه ایتالیایی که به این جمع سه باشگاه دیگر نیز اضافه خواهد شد.

در این بیانیه آمده است:» باشگاه های موسس سوپرلیگ با یوفا و فیفا گفت و گوهایی خواهند داشت تا به بهترین راه حل ممکن برای برگزاری این تورنمنت و جامعه جهانی فوتبال برسند.

تاسیس این سوپرلیگ زمانی سرعت گرفت که دنیای فوتبال تحت تاثیر پاندمی کرونا ضرر و زیان اقتصادی فراوانی دید. در طی سال های اخیر باشگاه های موسس در پی بهبودی کیفیت رقابت های فوتبال اروپایی در بالاترین سطح و به خصوص تاسیس یک سوپرلیگ با حضور بهترین های فوتبال اروپا بودند تا بتوانند هر هفته با یکدیگر مصاف دهند.

پاندمی کرونا فاش ساخت که به یک استراتژی بهتر و جدید برای بهبود وضعیت

اگر اتلتیکو اجازه دهد

با توقف رئال؛ قهرمانی لالیگا در مشت بارسلونا



لیونل مسی هم که جام را بالای سر برد، گفت که کوپا دل ری برای او جام ویژه ای است تا نشان دهد که بارسا انگیزه بالایی برای شروعی مجدد دارد. بارسا حالا با خیالی راحت به هشت بازی باقیمانده خود در لالیگا فکر می کند و پس از توقف رئال در زمین ختافه هدیه ای دیگر از کهکشانی ها دریافت کرد. بارسایی که هفته گذشته ال کلاسیکو را باخته بود، امید داشت که تیم نصفه و نیمه رئال با انبوهی غایب در زمین ختافه متوقف شود تا بار دیگر برای قهرمانی همه چیز در دستان

رئال مادرید یکشنبه شب در زمین ختافه متوقف شد تا یک بار دیگر بارسلونا برای قهرمانی دست بالاتر را پیدا کند.

بارسلونا شنبه شب در لاکارتوخا ۴ گل به بلبائو زد و فاتح کوپا دل ری شد. جامی کم اهمیت که به دلایل زیادی برای بارسا اهمیت فراتر از همه سال های گذشته داشت.

برای خوان لاپورتا که ۶ هفته پیش رئیس بارسلونا شد، این جام بسیار حائز اهمیت بود و پس از قهرمانی گفت که این شروعی بر یک دوران جدید است.

خودش باشد و همین اتفاق نیز رخ داد. رئال حالا در سه امتیازی صدر است و با یک بازی بیشتر، دو امتیاز نیز بیش از بارسا دارد ولی آبی اناری ها در صورت برتری در هشت بازی باقیمانده خود و بدون توجه به نتایج رئال و اتلتیکو می توانند قهرمان لالیگا شوند. یکی از این هشت بازی برابر رقیب مستقیم یعنی اتلتیکو است که قطعاً تعیین کننده خواهد بود. دیداری که ۸ می(۱۸ ثور) برگزار می شود.

بازی بعدی بارسا پنجشنبه شب در نوکمپ برابر ختافه است.

دولت جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت امور سرحدات وقبايل
رياست عمومي مالي و اداري



رياست تداركات
امريت تداركات

د افغانستان اسلامي جمهورى دولت
د سرحدونو او قبايلو چارو وزارت
د مالي او اداري معينيت

موضوع: اعلان تصميم اعطای قرارداد تدارک یک قلم گاز مایع
شماره دعوت به دواطلبی: (MOBTA/1400/NCB/OPT/G.001).

بدینوسیله به تاسی از فقره (۲) ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده می‌شود وزارت امور سرحدات و قبايل در نظر دارد پروژه تدارک یک قلم گاز مایع مورد ضرورت خویش را بابت سال مالی ۱۴۰۰ به شرکت {عبداللہ انصار لمیتد دارنده جواز نمبر (۱۵۵۳۷-۰۱۰۱) و نمبر تشخیصه TIN(۷۰۰۸۹۲۷۰۱۹)} به قیمت مجموعی مبلغ (۵،۴۹۰،۳۹۰) پنج میلیون و چهارصد و نود هزار و سه صد و نود افغانی اعطا نماید.

اشخاص حقیقی و حکمی که هر گونه اعتراض در زمینه داشته باشند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توأم با دلایل آن به ریاست تدارکات وزارت امور سرحدات و قبايل واقع ناحیه نهم جوار ستره محکمه وفق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارایه نمایند.

این اطلاعیه به معنی عقد قرارداد نبوده و الی تکمیل معیاد فوق‌الذکر و طی مراحل قانونی بعدی قرارداد منعقد نخواهد شد.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان دریافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکت‌ها

۴۰۰۰ افغانی

۷۰۰۰ افغانی

شش ماهه

یک ساله

قیمت: ۲۰ افغانی

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.



ریچارد لاجمن، لس‌آنجلس ریویو آو بوکز
مترجم: جلیل پژواک

رییس‌جمهور جو بایدن اعلام کرده است که «امریکا بازگشته است.» این سخن می‌تواند به معنای پشت‌سرگذاشتن دوره‌ی ترمپ باشد؛ دوره‌ی رد و برهم‌زدن معاهدات و اتحادهای موجود ایالات متحده توسط دونالد ترمپ، رییس‌جمهوری که با تمام جنگ‌طلبی‌های خود و به رخ کشیدن مداوم قدرت تسلیحاتی ایالات متحده، آغازگر جنگ جدیدی نشد. بایدن به احتمال زیاد کاخ سفید را به استراتژی معمول اکثر حکومت‌های پساً ۱۹۴۵ ایالات متحده، که ترکیبی از دیپلماسی و مداخله‌ی نظامی است، باز خواهد گرداند.

آنچه ریاست‌جمهوری ایالات متحده را تشویق به رفتارهای تهاجمی می‌کند، دسته‌ای از صداهای هماهنگ از درون ارتش، کنگره، چهره‌های رسانه‌ای و دستگاه سیاست خارجی است که «بن رودز»، قائم‌مقام مشاور امنیت ملی اوباما آن‌را «حباب» نامیده بود. این صداها به ما می‌گویند که ایالات متحده «قدرت‌مندترین ملت در تاریخ جهان» است، «یگانه ابرقدرت جهان» است، «برنده جنگ سرد» است، «ملت ضروری» است، «قدرت زبرین» جهان است، کشوری است که به «تسلط کامل» رسیده است و دست بالا را بر تمامی نیروهای نظامی دیگر روی زمین دارد. با این‌حال با همه‌ی این فخرفروشی‌ها، ایالات متحده نتوانست به اهداف خود در عراق و افغانستان دست یابد و در ویتنام کاملاً شکست خورد. ایالات متحده از زمان جنگ جهانی دوم تنها در اولین جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، که جنگی با هدف محدود بیرون‌راندن عراق از کویت بود و سپس تک‌وتوک «اقدامات پولیسی» علیه مخالفان رقت‌انگیز کوچک و ضعیف خود در «جمهوری دومینیک» در سال ۱۹۶۵، در «گرانادا» در سال ۱۹۸۳ و در «پاناما» در سال ۱۹۸۹، پیروزی‌های واضح به‌دست آورد. پس چگونه می‌توان بین برتری نظامی بی‌نظیر ایالات متحده نسبت به همه‌ی قدرت‌های رقیب، و سابقه‌ی شکست‌های نظامی ایالات متحده از زمان جنگ سرد، ارتباط برقرار کرد و توضیحی برای این تناقض ارائه داد؟ این‌که ارتش امریکا در استفاده از برتری‌های اقتصادی و فنی ایالات متحده برای پیروزی در برابر رقبای خود ناتوان است، سه دلیل عمده دارد.

اول، پنتاگون بودجه هنگفت خود را برای خرید سلاح‌های پیچیده مجهز با تکنولوژی پیشرفته که برای جنگیدن در میدان‌های فانتزی علیه اتحاد جماهیر شوروی (که ۳۰ سال می‌شود وجودندارد) یا علیه روسیه و چین کنونی طراحی شده است، اختصاص می‌دهد، نه برای سلاح‌های ارزان‌تر و ساده‌تر. سلاح‌های ارزان‌تر و ساده‌تر همان جنگ‌افزار مناسبی است که نیروهای ایالات متحده برای پیشبرد تاکتیک‌های جنگی مخصوص جنگ‌های ضدشورش خود، که در واقع ایالات متحده درگیر آن‌هاست، نیاز دارند. ویتنامی‌ها در دهه ۱۹۶۰ و افغان‌ها و عراقی‌ها در قرن ۲۱ با استفاده از جنگ‌افزارهای قدیمی (به ویژه ماین) و تولید سلاح‌های ارزان قیمت جدید (مانند بمب‌های دست‌ساز) روش‌های ساده‌تر و ارزان‌تر را برای مقابله با سلاح‌های پیشرفته امریکایی پیدا کردند. شورشیان با این جنگ‌افزارهای ساده و ارزان توانستند تلفات کافی بر نیروهای امریکایی وارد کنند و به این ترتیب مردم امریکا را علیه جنگ‌های ایالات متحده در خارج از کشور بشوراندند. شورشیان در عراق و افغانستان ویرانی‌هایی را به بار آوردند که برای ایالات متحده، جلب حمایت مردم محلی را از طریق تأمین امنیت این مردم، غیرممکن ساخت. درحالی‌که دانشمندیانی که ارتش را مطالعه می‌کنند، گزینه‌های بودجوی پنتاگون را نتیجه‌ی فرهنگ سازمانی‌ای می‌دانند که فرماندهانی را تولید می‌کند که ترجیح‌شان برتری نسبت به جدی‌ترین رقبای امریکاست، خرید اسلحه نیروهای امریکایی توسط پیمان‌کارانی صورت می‌گیرد که برای

سلاح‌های پیشرفته لابی می‌کنند، زیرا این سلاح‌ها بیشترین سود را برای این پیمان‌کاران دارند و توسط افسرهایی انتخاب می‌شوند که شغل و درآمد بازنشستگی‌شان از پیوندشان به سیستم‌های تسلیحاتی که دهه‌هاست در مرحله‌ی توسعه و تولید قرار دارد، سود می‌برند. ایالات متحده ارتشی دارد که برای جنگیدن در جنگ‌هایی که امریکا وارد آن می‌شود، ناسازگار است، زیرا هزینه نظامی این کشور با توجه به منافع و تقاضای اتحاد دایمی بین جنرال‌هایی که هدف‌شان ارتقای شغلی است، و پیمان‌کاران نظامی که هدف‌شان افزایش سودشان است، تعیین می‌شود. برای این جنرال‌ها و پیمان‌کاران نظامی، ارتقای شغلی در داخل و خارج ارتش و کسب سود مالی، با تولید و استفاده از پیشرفته‌ترین تسلیحات و تجهیزات نظامی به دست می‌آید. پیمان‌کاران نظامی اصلی امروزه حتا از دوره اوج همکاری بین نظامیان و صنعت‌گران قدرت‌مندتر هستند، زیرا نظامیان و صنعت‌گران نظامی ایالات متحده تحت سیاست‌های نئولیبرال دولت جورج اچ. دبلیو. بوش و کلینتون ترغیب شدند تا با یکدیگر ادغام شوند. این مسأله باعث ایجاد چند شرکت معدود نیمه‌انحصاری شد که بر بانک‌هایی که برای ادغام‌شان پول وام دادند، تسلط دارند. یک یا دو شرکت عظیم که بتوانند ساخت هرنوع سلاح پیچیده را سفارش دهند و سپس خودشان همان سلاح را تولید کنند، از نفوذ و قدرت بی‌حدوصری بر مشاغل کوچک و متعددی که به‌عنوان پیمان‌کاران نظامی فرعی عمل می‌کنند، برخوردار هستند. این شرکت‌های بزرگ تک‌خردیاری هستند؛ یعنی یگانه خریداران محصولی هستند که همان شرکت‌های کوچک تولید می‌کنند. این امر به شرکت‌های بزرگ قدرت بیشتری می‌دهد.

دوم، اعتراض مردم امریکا در برابر تلفات چشم‌گیر امریکایی‌ها (اما نه خارجی‌ها) یا همان بیزاری‌ای که به‌عنوان بخشی از مقاومت فزاینده طی جنگ ویتنام و پس از آن در برابر تهاجمات بیرونی امریکا در داخل ایالات متحده شکل گرفت، دولت امریکا را مجبور به اتخاذ استراتژی‌های جنگی‌ای کرد که دادوستد بین سربازان امریکایی و غیرنظامیان منطقه جنگی موردنظر و نیز امکان جمع‌آوری اطلاعات و به‌دست‌آوردن دل مردم محلی – که برای پیروزی در امر مبارزه با شورش‌گری مهم و ضروری است – را کاهش داد. کاهش چشم‌گیر تعداد کشته‌های جنگی امریکا که مردم امریکا از جنگ ویتنام تا جنگ عراق و افغانستان آن‌را قابل قبول می‌دانند، باعث محدودشدن تعداد نیروهای قابل‌اعزام به جنگ شد، سرعت تغییر و تبدیل آن‌ها را افزایش داد و یا دادوستد محلی آن‌ها را درون پایگاه‌های‌شان محدود کرد.

سوم، روی آوردن دولت امریکا در قرن ۲۱ به نوعی نئولیبرالیسم غارت‌گر در کشورهایی که

امریکا به آن‌ها حمله می‌کند، مردم محلی را از ایالات متحده بیشتر از پیش متنفر و دور کرده

است. درحالی‌که پیمان‌کاران امریکایی میلیون‌ها دالر را از طریق ساختن «گرین زون» به دست می‌آورند، کاروبار مردم محلی محدود می‌شود و فقط چند نخبه محلی عالی‌رتبه فرصت پول به جیب‌زدن را به‌دست می‌آورند. این مسأله، به خدمت گرفتن متحدان محلی قابل‌اعتماد را برای ایالات متحده تقریباً غیرممکن ساخت. این امر همچنین توده مردم محلی را فقیر کرد و خشم و نومییدی کافی را برای تقویت شورش‌گری ایجاد کرد.

سه عامل فوق در کنارهم شکست‌های ایالات متحده را در جنگ‌های قرن بیست و یکمی‌اش تضمین تضمین کرد و توانایی امریکا را در حفظ هژمونی ژئوپلیتیکش تضعیف کرده است. مهاجمان مؤفق به این دلیل موفق هستند که نیروی کافی با خود برای تصرف سرزمین‌های بیگانه به همراه می‌برند، اما آنچه بتواند کنترل آن‌ها را در طولانی‌مدت بر سرزمین‌های موردنظر حفظ کند، تنها از راه جلب حمایت مردم محلی ممکن است. ایالات متحده در هر کشوری که حمله می‌کند، برای انجام بیشتر کارهای اداری به نخبگان محلی تکیه می‌کند، تا سرانجام یک نیروی مسلح بومی تشکیل شود تا وظایفی را که ابتدا توسط نیروهای فاتح انجام می‌شد، برعهده بگیرند. چنین تمهیداتی در نهایت بین مهاجمان و مردم محلی برای حفظ کنترل، بسیار ضروری‌تر از تمایل و توانایی قدرت فاتح برای بردن و نگهداشتن تعداد زیادی نیروی نظامی یا پرسنل مدیریتی در خارج از کشور است. ایالت متحده در دهه‌های اول پس از جنگ جهانی دوم مایل بود فداکاری‌های مالی انجام دهد که نمونه آن طرح مارشال برای حفظ سلطه امپریالیستی و مالی بر بخش عمده جهان بود. شرکت‌های امریکایی مطمئناً در آن سال‌ها خودشان را در سراسر جهان ثروت‌مند ساختند، اما حکومت توانست محدودیت‌هایی را اعمال کند تا به موجب آن سرمایه‌داران محلی نیز از حضور امریکا در خاک خود بهره‌مند شوند.

نئوکان‌ها که سال‌ها قبل از ۱۱ سپتامبر خواهان حمله امریکا به عراق برای سرنگون کردن صدام حسین و امیدوار به آغاز یک سری جنگ‌های متوالی برای براندازی دولت‌های ایران و سوریه در خاورمیانه بودند، یک پروژه صریحاً استعماری را پیشنهاد کردند. برنامه‌ی آن‌ها برای خاورمیانه صرفاً تلاشی برای خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی (روندی که در سایر جهان – به‌ویژه در بلوک اتحاد جماهیر شوروی سابق – نخبگان محلی و همچنین امریکایی را ثروتمند ساخت)، کاهش مزایای اجتماعی و اطمینان از گردش آزاد سرمایه مالی نبود. بلکه آن‌ها این سری تهاجم‌های ایالات متحده را راهی برای ثروت‌مندانختن امریکایی‌ها از طریق به‌دست‌آوردن کنترل ذخایر نفتی عظیم عراق و ایران و سایر دارایی‌های این کشورها می‌دانستند. توزیع مجدد ثروت عراق که خواسته نئوکان‌ها بود و امریکایی‌ها سعی کردند آن‌را از طریق فرمان‌های «حکومت ائتلاف مؤقت عراق»

برآورده کنند، نه برای رشد اقتصادی در نظر گرفته شده بود و نه منجر به رشد اقتصادی شد. در عوض، این توزیع مجدد ثروت، با شرایط مجموع صفر، از عراقی‌ها به امریکایی‌ها بود. در نتیجه، امریکایی‌ها در مقایسه با جنگ‌های قبلی‌اش که با چنین آرمان‌های نئولیبرالی هدایت نمی‌شد، نتوانستند حمایت تمام‌نخبگان یا مردم عراق را به‌دست آورند. به این ترتیب ایالات متحده در عراق باید فقط به نیروی نظامی تکیه می‌کرد، نیرویی که در مقایسه با جنگ‌های قبلی امریکا، در تعداد کمتر، برای مدت زمان کوتاه‌تر و با کارایی کمتر در دسترس بود.

این واقعیت‌ها حمله موفقیت‌آمیز امریکا به ایران یا هرکشور دیگری به جز رقت‌انگیزترین‌ها و کوچک‌ترین‌ها را غیرممکن می‌کند. ایران بیش از دو برابر عراق نفوس و ارتشی به مراتب توان‌مندتر از ارتش صدام حسین در سال ۲۰۰۳ دارد. علاوه براین، ایران دارای عناصر نیابتی در سراسر خاورمیانه است، درحالی‌که عراق صدام حسین تقریباً به طور کامل در هنگام حمله منزوی بود. ایران به طور قابل‌توجهی حریف جدی‌تری نسبت به عراق خواهد بود، درحالی‌که ارتش ایالات متحده ادعا می‌کند که از عراق و افغانستان درس گرفته است، اما ناتوانی امریکا در برابر طالبان نشان می‌دهد که هرآنچه را که فرماندهی عالی ارتش امریکا فکر می‌کند از جنگ‌های اخیر خود آموخته است، نتوانسته برای تدوین استراتژی ضدشورش مؤثر و کارآمد استفاده کند. گذشته از همه، بودجه پنتاگون به جای استفاده از تجهیزات و استراتژی‌هایی که به منظور جنگیدن در مناطقی مانند عراق و ایران مناسب است، هنوز به سلاح‌های گران قیمت که برنامه‌ای برای استفاده از آن‌ها در جنگ‌های واقعی وجود ندارد، اختصاص می‌یابد. افسران هوشیار هنوز برنامه‌های شغلی خود را حول تولید و عرضه سلاح‌های پیشرفته طراحی می‌کنند که ساخت آن‌ها دهه‌ها به طول می‌انجامد، نه ایجاد نیروهای ضدشورش که پس از پایان جنگ گم و گور می‌شوند. در هر صورت، افسران بازنتست‌های که در سیستم‌های تسلیحاتی تخصص دارند، می‌توانند با کار برای پیمان‌کاران دفاعی درآمد کلانی کسب کنند. کسانی که در مبارزه مؤثر با شورش‌گری تجربه دارند، چنین گزینه‌هایی در اختیار ندارند.

بیزاری از تلفات از زمانی که جنگ در عراق و افغانستان فروکش کرد، کاهش نیافته است. واکنش افراطی رییس‌جمهور ترمپ به مرگ یک پیمان‌کار امریکایی در عراق در ماه دسامبر ۲۰۱۹ و وحشت بسیاری از جوانان امریکایی از بازگشت خیالی و غیرقابل‌تصور خدمت سربازی اجباری به دنبال ترور جنرال سلیمانی در جنوری ۲۰۲۰، نشان‌دهنده انزجار گسترده‌ی امریکایی‌ها از تلفاتی است که ترمپ و پنتاگون، در صورت هرگونه حمله به ایران فراتر از استفاده از هواپیمای بدون سرنشین، موشک و بمباران از ارتفاع بالا، با آن روبه‌رو می‌شد و بایدن نیز در صورت اقدام به حمله به ایران با آن روبه‌رو

چرا ابرقدرت جهان مدام شکست می‌خورد؟



می‌شود.

ما نمی‌دانیم که چرا ترمپ جنگی را با ایران یا ونزوئلا یا هر کشور دیگری که مورد اعتراض بسیاری از جمهوری‌خواهان و چند دموکرات بود آغاز نکرد و ما نمی‌دانیم که آیا رییس‌جمهور بایدن خصومت به‌صورت فزاینده شدید کاخ سفید را علیه ایران حفظ خواهد کرد یا سعی خواهد کرد طرح تنش‌زدایی با ایران را که با توافق هسته‌ای اوباما با ایران به میان آمد و با خروج ترمپ از توافق به‌هم خورد، دوباره از سر گیرد. با این‌حال، هر رییس‌جمهوری در امریکا، خواه جانسون و بوش جنگ‌طلب باشد یا مانند کارتر و اوباما به دنبال محدودکردن مداخله‌گرایی ایالات متحده پس از جنگ‌های ناموفق، برای پیروزی در جنگ با عین موانع سیستمی که من در بالا شرح دادم روبه‌روست. در عین حال، رؤسای جمهوری می‌توانند به آسانی از این موانع غافل شوند، زیرا از جنرالانی مشوره می‌گیرند که برنامه‌های جنگی‌ای ارائه می‌دهند که بر این باور مغرورانه و توهم‌آمیز دیرینه استوار است که ایالات متحده می‌تواند بر هر حریفی در جهان به‌دلیل برتری فنی و اقتصادی عظیم خود غلبه کند. این باور در قضیه‌ی ویتنام، افغانستان و عراق اشتباه از آب درآمد و منجر به شکست امریکا و کشته‌شدن تعداد زیادی از غیرنظامیان در ایران یا هر کشور دیگری خواهد شد که ایالات متحده بخواهد به آن حمله کند.

رؤسای جمهور امریکا باید به خاطر داشته باشند که مبادرات نظامی ایالات متحده را مخالفت داخلی و همچنین قدرت نیروهای مقاومت در کشورهایی که امریکا به آن حمله می‌کند، مهار کرده است. حتا اگر انگیزه‌ی اقدام ضدجنگی در ایالات متحده از زمان جنگ ویتنام بیشتر ناشی از تلفات جنگی امریکایی‌ها بوده باشد تا برای نگرانی از غیرنظامیانی که ارتش امریکا در آن جنگ‌ها می‌کشد، بازهم این انگیزه مانعی مؤثر در آغاز یا تداوم جنگ‌های امریکا بوده است. در میانه‌ی نگرانی‌های مرتبط با همه‌گیری کووید۱۹، نابرابری اقتصادی، نژادپرستی و گرم‌شدن کره زمین، نیروهای ترقی‌خواه در ایالات متحده نباید از الزام محتاط‌بودن در برابر سیاست‌های نظامی‌گرایانه رؤسای جمهور، حتا رییس‌جمهوری نسبتاً لیبرال مانند بایدن، غافل شوند. آخر کسی که نیم میلیون سرباز به ویتنام فرستاد، جانسون بود، لیبرال‌ترین رییس‌جمهور عصر مدرن ایالات متحده! همان‌طور که ریاست‌جمهوری جانسون نشان داد، جنگ نه‌تنها کشوری را که ایالات متحده به آن حمله می‌کند، نابود می‌کند، بلکه فرصت اجرای برنامه‌های اجتماعی لیبرال را نیز از بین می‌برد. این جنگ‌ها هیچ برنده‌ای ندارد.

ریچارد لاجمن استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه ایالتی نیویورک در آلبانی است. او نویسنده کتاب «مسافران درجه‌یک در کشتی‌ای درحال غرق‌شدن: سیاست نخبه‌گرایی و زوال قدرت‌های بزرگ» است.